

صفتی

گزارش نامه داخلی
دقتزدهج عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی صانعی رحمته الله
پنج شنبه ۱۳۸۸ - ۳۰ رجب ۱۴۳۰ - ۲۳ جولای ۲۰۰۹
سال اول / شماره ۱۶/۴ صفحه
www.saanei.org & istifta@saanei.org

گزارش:

رفتار و منش امام
بهترین سرمشق زندگی
سید حسین موسوی تبریزی

مقاله:

فقه پویای شیعه و چگونگی
رصد علما و فقها
فخرالدین صانعی

گفتگو:

زن و مرد در همه حقوق
برابر هستند
فهیمة خضر حیدری

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:
کسی که گناه کند و خندان باشد
داخل جهنم می شود و حال آن که
گریان است
وسائل، ج ۱۱، ص ۲۴۰

دیدگاه مراجع تقلید در
ارتباط با کشتار مسلمانان
چین

حضرت آیت... العظمی صانعی در گفتگو با تلویزیون اتریش:

زنان و حقوق انسانی

حضرت آیت... العظمی صانعی در گفتگو با تلویزیون ORF اتریش اظهار داشتند: «علی رغم همه تلاش های خوبی که تاکنون برای احقاق حقوق زنان صورت گرفته اما زنان هنوز به حقوق شان نرسیده اند خصوصاً حقوقی که اسلام برای زن ها قرار داده است.»

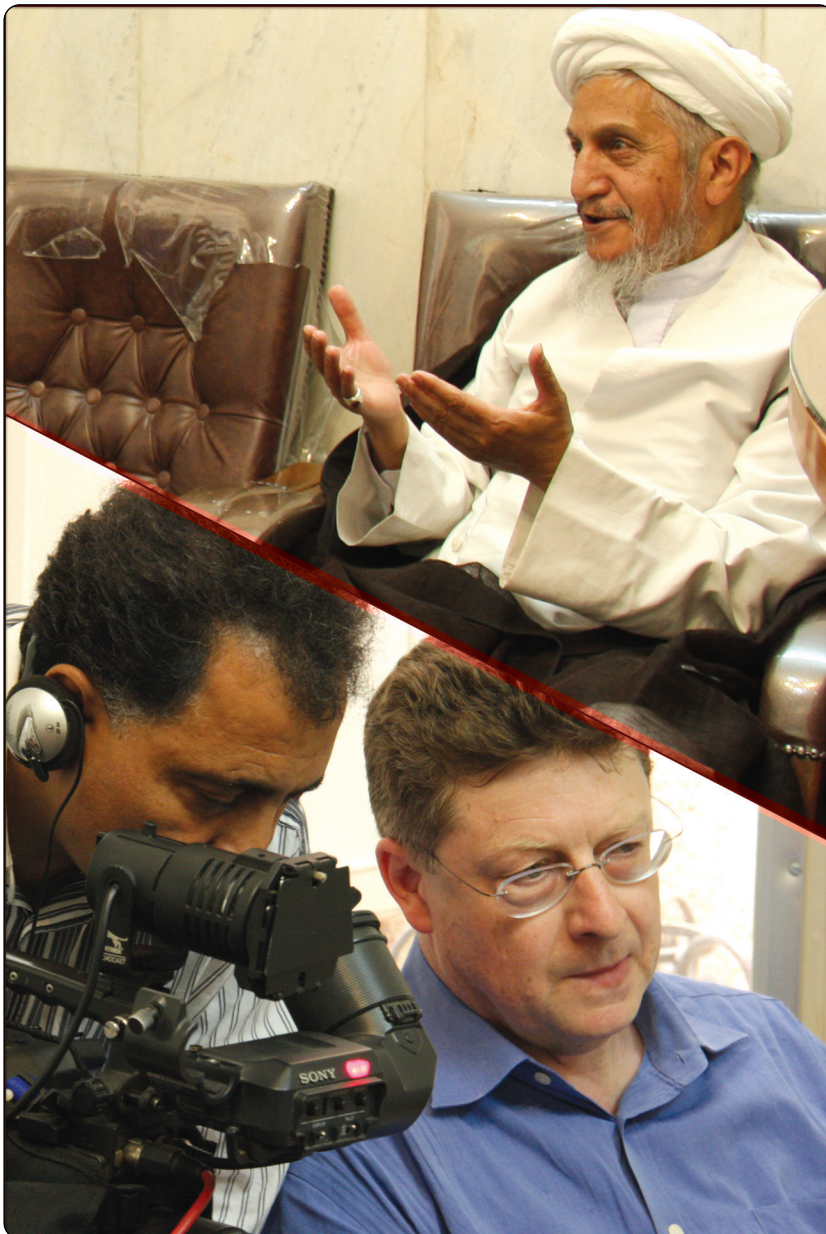
این مرجع عالیقدر در پاسخ به سؤالی در خصوص افزایش حضور زنان در دانشگاه ها و ضرورت توجه دولت به اشتغال آن ها بعد از فراغت از تحصیل تصریح کردند: «زن و مرد هر دو شهروند این مملکت هستند و دولت موظف است آنها را اداره کند. زن نیاز به مسکن و احتیاج به آرامش دارد چه او کار بکند و چه کار نکند.»

ایشان همچنین در ادامه این گفتگو و در پاسخ به سؤالی راجع به نظر اسلام در خصوص تغییرات ژنتیکی بر روی نطفه در آزمایشگاه ها فرمودند: «اصل همه چیز بر آزادی است مگر اینکه اسلام از آن نهی کرده باشد.»

ایشان افزودند: «برخی مواقع به وسیله تربیت می توان تاثیر زن ها را تغییر داد، آدمی هست که زن او زن بدی است او را به وسیله تربیت اصلاح می کنیم چرا که زن ها سبب کل نیستند. گاهی به وسیله تربیت در محیط کار، زندگی و در محیط مدرسه و... رفتارها را تغییر می دهیم و اصلاح می کنیم و گاهی هم به وسیله علم و تغییرات آزمایشگاهی سبب تغییر می شویم مثلاً از نطفه زوجین زن دختر را استخراج می کنیم تا بچه آن ها دختر شود که این امر اشکالی ندارد.»

معظم له همچنین در پاسخ به سؤالی در خصوص وضعیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی بعد از اعمال تحریم ها علیه کشورمان فرمودند: «اگر چه ما در سیاست خارجی دچار انزوای شده ایم اما دچار مشکلاتی شده ایم.»

ایشان فرمودند: «فکر نمی کردیم روزی برسد که اینقدر دچار مشکل و بحران شده باشیم و اسلامیت و جمهوریت نظام در خطر قرار گیرد.»



۱۵

۱۴

۸

پاسخ حضرت آیت الله العظمی صانعی به نامه دختر دکتر سعید حجاریان

زمستان می رود، آنچه می ماند حق و حقانیت است

تقلب در انتخابات به بهانه
حفظ نظام اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم
محضر مبارک حضرت آیت الله
العظمی صانعی (دامت برکاته)
سلام علیکم؛

احتراماً خواهشمند است نظر مبارک
را در مورد مسائل ذیل اعلام فرمایید:
آیا می توان در انتخابات به بهانه
حفظ نظام اسلامی یا برگزیده
شدن نامزدی که او را اصلح می
دانیم، کارهای ذیل را انجام دهیم؟
۱- در شمارش آرا دست کاری
کرده، آن را کم و زیاد کنیم؛
۲- به جای دیگران رأی داده یا بیش
از یک رأی به صندوق بیندازیم؛
۳- آراء رقیب را هنگام شمارش،
حذف یا باطل کنیم؛
۴- رأی بی سوادها را طبق نظر
خودمان بنویسیم؛
۵- با شناسنامه های اموات که هنوز
باطل نشده، رأی بدهیم.

جمعی از استادان حوزه و دانشگاه
باسمه تعالی

ج-ا تا-۵ حرمت و معصیت کبیره
بودن همه امور ذکرشده در سؤال به
خطر خیانت در امانت و حقوق
مردم، واضح و آشکار است و باید
همگان به احترام و ارزشی که
فرهنگ تشیع و اهل بیت (صلوات
الله علیهم اجمعین) برای حقوق
عادی مردم، چه رسد به حقوق
مربوط به تعیین سرنوشت و
آزادیشان، مقرر داشته، توجه نمایند
تا جایی که امام چهارم شیعیان، آقا
زین العابدین (علیه السلام) فرمودند:
خداوند همه گناهان را می شود
ببخشد جز دو گناه، که یکی از آن ها
تضییع حقوق مردم می باشد؛ و
چگونه کسی می تواند از جواز امور
ذکرشده سخن بگوید و به خدا و
دینش افترا بزند با این که در باب
مسلمان مقتولی که به عمد کشته
شده و ولی دمش حاکم است، سؤال
شده که آیا حاکم می تواند قاتل را
عفو کند؟ امام معصوم (علیه السلام)
فرمودند: نمی تواند؛ چون حق همه
مسلمین است.



باسمه تعالی
آیاک و ظلم من لا یجد علیک ناصر الا الله
با سلام؛ دخترم، امیدوارم پاسخ بتوانم مرهمی هرچند کوچک
بر آلام و رنج هایتان باشم؛ آن چه می تواند صبر، استقامت و
توان انسان را در قبال این ظلم و ستم ها افزایش دهد، توجه به
سیره ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)، تاریخ و
درس های آن است و این که ظلم و ستم، هر چند زیاد باشد،
معصیت خدای بزرگ و عملی زشت و رسواست؛ **أَنْ رُبَّ
لِبَالِمِ رِصَادٍ وَ هَمَانَا خَدَاوَنَدُ دَرِ كَمِینِ سَتْمَكَارَانِ اسْت.**
آن چه می ماند حق و حقانیت است؛ زمستان می رود و
روسیاهی آن به زغال می ماند و نسبت به آن چه پیش آمده،
آیندگان قضاوت خواهند نمود و خداوند بزرگ هم پاداش
اعمال خوب پدر شما و سایر دوستان و عزیزانی که در
بازداشت به سر می برند را به نحو احسن خواهد داد.
از خداوند متعال رهایی هر چه زودتر پدر از جمنندان و سایر
همفکران و دوستان را خواستارم.
یوسف صانعی - ۱۳۸۸/۴/۲۰

حق قانونی وکیل برخوردار است .
آن گونه که پزشک متخصص ایشان در
بیانیه رسمی اعلام نموده اند جان سعید
حجاریان در خطر است و ایشان نیاز به
مراقبت های فوری پزشکی داشته و
بدون پرستاری خانواده در انجام امور
شخصی و روزمره که لازمه فرائض
دینی است با مشکلات جدی مواجه
است ، و اینها همه در حالی است که
ضارب پدرم آزادانه به ارباب مردم
مشغول است . ظاهراً مضروب باید به
جای ضارب مجازات شود.
این روزها جز گریستن به درگاه خدا
سلاحی ندارم . امروز زینب دختر سعید
حجاریان فریاد ظلم و دادخواهی به بیت
شما مراجع عظام آورده است که به
خاطر خدا هر تلاشی در توان دارید به
کار بگیرید تا همه مظلومان در بند از
جمله پدرم به آغوش خانواده بازگردند،
که مراجع در سنتی هزار و چند صد ساله
همواره ملجاء مردم بی پناه بوده اند .
اللهم اننا نشكوا اليك فقد نبينا وغيبه ولبينا
و شدة الفتن بنا و تظاهر الزمان علينا.
زینب حجاریان کاشانی - ۱۳۸۸/۴/۱۲

درستی ادا کند. انگشت های بی حس او
توانایی برداشتن قرص هایش را ندارد،
نمی دانم آیا کسی هست که داروها و
قرص های رنگارنگ او را به موقع بدهد؟
او برای نوشیدن جرعه ای آب به کمک
نیاز داشت ، نمی دانم آیا می تواند پس از
ساعتها بازجویی آبی بنوشد و گلوئی تازه
کند؟ مردم او را به نام سعید می شناسند
ولی مادرش او را عباس صدا می زند، بی
اختیار به یاد جانباز کربلا، باب الحوائج
حضرت ابوالفضل العباس می اتمم .
رندان تشنه لب را آبی نمی دهد کس
گویا ولی شناسان رفتند از این ولایت
بیش از دو هفته است که پدرم را بدون
هیچ اتهامی بازداشت کرده اند. اصلا مگر
این بدن مجروح و ناتوان می تواند جرمی
مرتکب شود؟ همه می دانند که پدرم
سالهاست در حاشیه دنیای سیاست قرار
گرفته و برای سیاستمداران تنها نمادی
معنوی به شمار می رود. پس چگونه
می تواند تأثیری در تحولات داشته باشد
تا جرمی از آن پدید آید؟ انگار از این بدن
رنجور هم نمی گذرند. تاکنون نه اتهام
ایشان به وی تفهیم شده و نه از داشتن

نامه دختر دکتر سعید حجاریان
به معظم له

بسم الله الرحمن الرحيم
محضر مبارک مرجع عالیقدر آیت الله
العظمی صانعی
با سلام و عرض تبریک به مناسبت ایام
ولادت امام علی (علیه السلام)، مولای
مقیان ، پیشوای عدالت طلبان و آزادی
خواهان و امام مظلومان و ستمدیدگان .
این روزها دستهای استغاثه و التجاه به
درگاه پروردگار عالم گشوده شده است و
خلقی پریشان از نامهربانی ها شکوه به
درگاه معبود می برند، که **و الی الله
المشتکی** . من نیز در هر نماز و دعایی
پیکر بیمار و رنجور پدرم دکتر سعید
حجاریان را به یاد می آورم که پس از سوء
قصد ده سال قبل همین سلامتی نسبی
خود را مدیون دعای ملت شریف ایران
است، و گویا می بینم که در سلول انفرادی
به نماز نشسته است ، او را که به واسطه
اصابت گلوله اشقیا به مخیجه و نخاعش
یارای ایستاده نماز خواندن نیست ، و
می دانم که لکنتی غریب گریبانش را
می گیرد آنگاه که می کوشد حروف را به

سید حسین موسوی تبریزی:

رفتار و منش امام بهترین سرمشق زندگی است



سرکوب کرده و مورد ضرب و شتم قرار داده و حتی عده ای از آنها را به قتل برسانند؟ و تعداد زیادی از آنها را دستگیر کرده و به زندان بباندازند؟ آیا این کارها صحیح است؟ آیا برای حفظ قدرت جایز است دست به هر کاری زد؟

موسوی که در زمان امام خمینی دادستان کل انقلاب بود ادامه داد: درست به خاطر دارم که پس از دستگیری

آقای داریوش فروهر توسط دادستان تهران امام بلافاصله مرا خواستند و فرمودند آقای فروهر که از مبارزین قبل از انقلاب است نباید دستگیر و زندانی شود، فوراً ایشان را آزاد کنید و حتی امام فرمودند آن چهار نفری که پس از ماجرای بنی صدر دستگیر شده بودند آنها را هم آزاد کنید، این رفتار امام بود اما امروز ببینید چه افرادی دستگیر شده و به زندان افتاده اند مگر جرم اینها چه بوده است؟ وی در پایان گفت: ما اگر به امام خمینی اعتقاد داریم باید روش امام و رفتار امام رحمة الله علیه را سرمشق و الگوی خودمان قرار دهیم.

خلق (منافقین) اشاره کرده و گفتند با اینکه سلاح و مراکز دولتی را در اختیار داشتند و در روزنامه ها و تظاهرات خیابانی و تبلیغاتشان علیه امام، مسؤولین، جنگ و حتی گاهی علیه نظام شعار می دادند امام اجازه ندادند با آنها برخورد شود مگر آن زمان که دست به سلاح بردند و به ترور متوسل شدند که با آنها برخورد شد.

اما پس از انتخابات چه شد؟ عده ای فکر می کردند حقشان ضایع شده، لذا به خیابانها آمده و در گروه های میلیونی حرکتی آرام همراه با سکوت به راه انداختند و تنها شعارشان الله اکبر بود، آیا باید با آنها برخورد می شد؟ آنها را

جامعه بوده اند اما شهوت قدرت باعث شد برای حفظ قدرت خود هر گونه جنایتی را مرتکب شوند.

وی ادامه داد: می دانید که هارون الرشید احترام زیادی برای امام کاظم قائل بود لذا به مامون می گوید ایشان بهترین فرزند رسول الله و شایسته ترین فرد برای خلافت و حکومت است اما در پاسخ مامون که می پرسد پس چرا حق را به ایشان بر نمی گردانید؟ میگوید: الملک عقیم، هر کس بخواهد مانع حکومت من شود باید نابود گردد.

موسوی با اشاره به حوادث تلخ بعد از انتخابات گفتند: این انتخابات با حضور آن همه شرکت کننده می توانست یکی از شیرین ترین حرکتها بعد از انقلاب باشد اما با این کارهایی که انجام شد آن را به کام ملت تلخ کردند.

ایشان به رفتار امام خمینی با مجاهدین

مراسم شهادت هفتمین امام همام حضرت موسی بن جعفر علیه الصلاة والسلام جمعه ۲۴ رجب المرجب با حضور علمای اعلام، طلاب و فضلاء حوزه علمیه، فرهنگیان، دانشجویان و جمع کثیری از زائران و مجاوران و اقشار مختلف مردم شریف مشهد در دفتر مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی صانعی مد ظله العالی برگزار شد.

در این مراسم حضرت آیه الله سید حسین موسوی تبریزی دبیر مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم سخنان مسوولی ایراد کرد.

ایشان با قرائت احادیثی از امام کاظم و امیر المؤمنین علیهما السلام در باره تمایلات انسانی گفت: بعضی از خلفای اموی زندگی ساده و زاهدانه ای داشتند و حتی دیناری برای خود نینداخته و در پی اجرای عدالت در

استفتاء

اقرار از روی تهدید و فشار

فشار و امثال آن، حجّت نمی باشد بخاطر عدم دلیل بر حجّیت آن، و برای تأیید مطلب کافی است که بداندیم فقیه حرّ و دقیق و متمتع، مقدّس اردبیلی (قدس سره) در کتاب مجمع الفائدة والبرهان در رابطه با ثبوت قذف با اقرار می گوید: راجع به اقرار آنچه از ادله اش می تواند شامل همه موارد بشود بعضی اطلاعاتش می باشد که مقتضای بناء حدود بر تخفیف و درء به شبهه و احتیاط، آن است که بگوئیم شامل آنها نشده و نیاز به دو مرتبه اقرار است و ثالثاً: چگونه می توان نظر به اعتبار شرعی اقرار مورد سؤال داد در حالیکه فقیه بزرگی که بعنوان علامه معرفی می شود در کتاب بزرگ و پر بار خود تذکرة الفقهاء در بحث اقرار می گوید اگر اقرار در حالی گرفته شود که اقرار کننده در زندان و حبس و یادست و پایش بسته شده و یا مورد اذیت و آزار بوده؛ سخن و ادعای او بر اینکه اقرار من از راه فشار و اکراه بوده نه اختیار، مورد قبول است و تمام می باشد و در مقابل قاضی مدعی اختیار، او می تواند عدم اختیار خود را با قسم ثابت نماید و ادعای قاضی با قسم رد می شود. و سرقبولی ادعایش آن است که قرائن یعنی زندانی و یادست و وابسته بودن و یا اذیت و آزار شدن و امثال آن هر یک دلیلی بر عدم اختیار و اکراه در اقرار است.

جواب ج) حرمت و عدم جواز و عدم حجّیت و دلیل نبودن چنین اقرارهایی روشن و ضروری فقه اسلام و شیعه است.

اولاً؛ چنین اقراری در حقوق مدنی که حکومت مأمور بفحص و دقت و احتیاط در آنها می باشد تا مبدا حقی ضایع و یا به کسی ظلم شود چه رسد به امور کیفری و جزائی و حدود و تعزیرات -که اصل در آنها بر براءت و تخفیف و درء و رفع حد به شبهه است- هیچگونه ارزشی شرعاً و عقلاً و عقلاً نداشته و ندارد و یکی از شرائط مسلمة حجّیت اقرار نزد همه فقها اختیار و نبود اکراه و فشار است و حدیث رفع مانند غیر آن از آیات و احادیث بر بی تأثیری آن دلالتی آشکار و روشن دارد و در قانون اساسی در فصل حقوق ملت در اصل ۳۸ هم به طور واضح وبدون استثناء بیان شده و آمدنش در آن فصل و بدون استثناء حتی در یک مورد و صراحت در بیان، همه و همه گویای اهمیّت و ارزش این حق انسانی اسلامی است و ثانیاً: اطلاق مثل اقرار العقلاء علی انفسهم نافذ قدر متیقّش باب حقوق مدنی است و نسبت به حقوق جزائی که اصل در آن بر براءت و تخفیف است اگر شک در شمول باشد؛ اطلاق قاصر از شمول می باشد و باید سراغ دلیل دیگری رفت، پس اگر فرض کنیم که حجّتی بر شرطیت اختیار در اقرار نسبت به امور جزائی و کیفری هم نبود؛ باز باید قائل می شدیم که اقرار متهّم همراه با اکراه و

الف) متهمی را در بازداشتگاه تحت فشار قرار می دهند، آیا می تواند به خاطر رهایی از آن مخمصه به اتهامات اعتراف نماید، هر چند ممکن است عواقب ناگواری چون زندان رفتن و جریمه و... در پیش رو داشته باشد، آیا گناهی مرتکب شده است؟

ب) آیا گرفتن اقرار از متهمان زندانی تحت فشارهای روحی و شکنجه های روانی پس از تحمل چندین ماه زندانی انفرادی، به لحاظ شرعی معتبر است؟

ج) آیا بازجویی های طولانی بویژه در نیمه های شب از متهم زندانی جهت اقرار شرعاً جایز است؟

(برگرفته از استفتائات قضایی جلد اول، فصل دوم: راههای اثبات دعوا، مبحث اقرار، س ۳۹، ۳۸، ۳۷)

جواب الف) گرچه اقرار برای رهایی از فشار جایز است یعنی مرتکب حرام نشده، اما آنهایی که سبب چنین اقرارهایی می شوند، معصیتکار هستند.

جواب ب) قطع نظر از اینکه هرگونه اذیت و آزار و شکنجه و فشارهای روحی و یا جسمی نسبت به همه انسانها حرام و معصیت کبیره است چه رسد به زندانی که اسیر است و درباره اسیر در حدیثی از امیر المؤمنین (علیه السلام) آمده که فرمودند احسان به اسیر، یک حق لازم اوست که حتّی اگر فردا هم باید اعدام شود و محکوم بقتل است باز باید این حق رعایت گردد و تخلف از آن نشود.

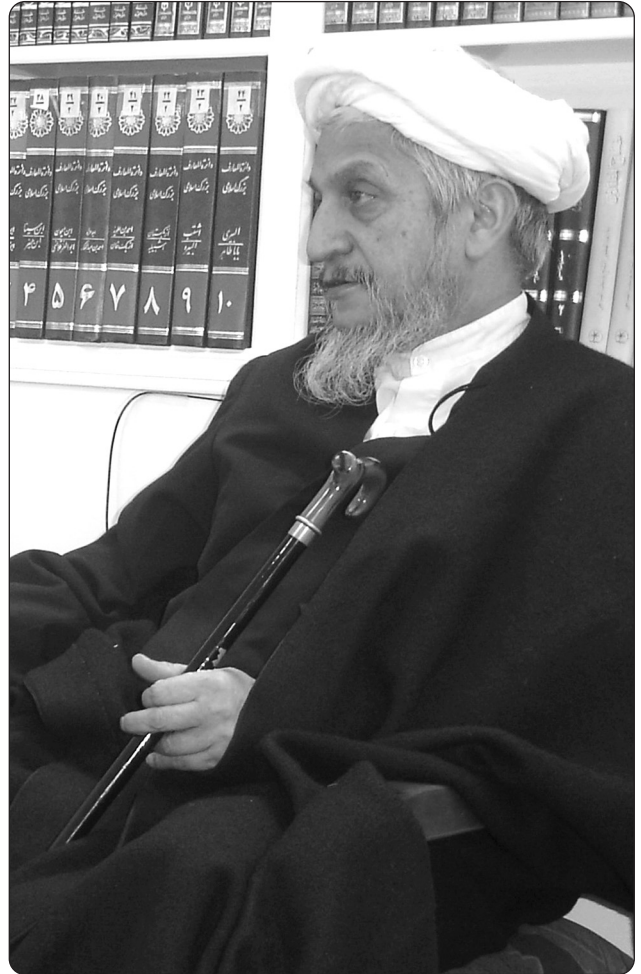


حقوق زنان، برابری دیه، قصاص و پوشش در گفتگو
با حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله)

زن و مرد در همه حقوق برابر هستند

قسمت دوم

فهیمة خضر حیدری



اشاره:

در اولین قسمت این گفتگو، حضرت آیت الله العظمی صانعی ضمن نگاهی اجمالی به تاریخ اسلام و بررسی شخصیت زنان و مردان خداجو، به بازشکافی مسئله نابرابری دیه زن و مرد پرداختند. اینک دومین بخش این مصاحبه طولانی را با هم بی می گیریم.

زن نمی تواند قاضی باشد بلکه این نظریه بعضی از بزرگان بوده است ... به هر حال اسلام دین سهولت است یعنی مردم باید باورشان بیاید به قوانین اسلامی.

اگر اسلام دین سهولت است و قوانین باید بتوانند مردم را قانع کنند، پس شما جواب نیمی از جامعه را که بر ضرورت بازنگری در قوانین منبعث از اسلام تاکید دارند و مثلا در همین بحث ممنوعیت قضاوت زنان یا در باب ازدواج مجدد مردان به اقتناع نرسیده اند را چطور می دهید؟

ببینید اصولا مجازات اسلامی هم طوری قرار داده شده است که دارای سهولت باشد... سهولت یعنی قانون آسان باشد تا بتوان راحت به آن عمل کرد. اوایل انقلاب مردم به قانون و قانونگزاری یک ایمان خاصی داشتند و وقتی قانون مالیات وضع شد مردم حتی خودشان وسوسه می کردند در مالیات دادن که مبادا کم بدهند مالیاتشان را چرا که مطمئن بودند در راس امور

در باب جراحتهای زن تا ثلث با مرد مساوی است اما از ثلث که بالا رفت دیگر برابر نیست. یعنی چه؟ دست شکستگی و پاشکستگی که دیگر زن و مرد ندارد. چه فرقی می کند؟ چشمی کور شده، چه زن و چه مرد؟ آخر پذیرش این یک مقدار مشکل است. یک نکته را هم بگویم و آن اینکه از امتیازات اسلام این است که دین سهولت است یعنی قوانین آن قابل پذیرش است. یعنی مردم باید باور کنند که این قانون، قانون خداست. بنابراین ما اگر برداشتی از روایات و کتاب و سنت می کنیم باید جوری باشد که هم خودمان قانع شویم و هم دیگران باور کنند. اگر ما برداشتی کردیم و عده ای آن را باور نکردند نمی توانیم تکفیرشان کنیم بلکه باید برگردیم و در برداشت خود تجدید نظر کنیم. دانش که به افراد ارتباط ندارد. دانش به دانش ارتباط دارد. اصلا ما در فقه اسلامی آرا و نظریات افراد برایمان معتبر نیست. زیربنای کلام مذهب شیعه این است که

آرا مطرح نیست. اینکه در فقه هم اجماع آمده به دنبال استدلال جدلی است. در همین فقه تطبیقی که شیخ طوسی نوشته و همه جا اجماع اعلام کرده است؛ در باب قضاوت وقتی که می رسد می گوید زن نمی تواند قاضی باشد و باید مرد باشد و اینجا به اجماع تمسک نمی کند و به حرف های دیگر تمسک می کند و به نظر من همین، قوی ترین دلیل است که نشان می دهد، مذهب استقرار پیدا نکرده بر اینکه

به او نمی دهند و اگر برعکس نصف خون بها را باید به اولیای دم بدهند و بکشندش آنجا این چالش آمده اما خود این روایت معارض دارد و مسلم نیست و یک چالش معروف و مشهوری نبوده است. این موضوع اصلا در کتب قدمای اصحاب مورد تعرض قرار نگرفته است و اصلا در کتاب های قدیمی اصحاب در قرن سه و چهار نصف بودن دیه زن، مطرح نشده و خود این نشانه آن است که بحث خیلی نزد فقها روشن و مسلم نبوده است. بنابراین آنقدر باید تکرار کنیم که دیه زن برابر دیه مرد است تا در ان شاء الله به صورت قانون تصویب بشود.

همین مسئله نابرابری دیه حتی در مورد جراحات زن و مرد هم وجود دارد و این هم یکی از مواردی است که به نظر می رسد باید در آن بازنگری شود.

حاج آقا در ادامه بحث؛ آیا در باب دیه نابرابر زن و مرد چالشی هم در طول تاریخ اسلام وجود داشته؟

اتفاقا یکی از چیزهایی که عرض ما را تایید می کند همین است که در باب ارث دختر و پسر از ائمه سلام الله اجمعین هم دوستان سوال کرده اند و هم دشمنان و ائمه هم جواب داده اند اما درباره دیه هیچ کجا سوالی از ائمه نشده و پرسش و پاسخی وجود ندارد. در حالی که اگر این حرف صد در صد درست بود که دیه زن نصف مرد است اینجا هم باید سوال می شد که چه فرقی است بین زن و مرد و جوابی هم از ائمه می آمد. به هر حال خود این سوال و جواب نشدن و یا به قول شما "چالش" نداشتن هم خودش نشانه مهمی است. فقط یک جا این چالش آمده در روایات که اگر زنی مردی را کشت زن را می کشند و چیزی

نابرابری دیه حتی در مورد

جراحات زن و مرد هم وجود دارد

و این هم یکی از مواردی است که

به نظر می رسد باید در آن

بازنگری شود. در باب جراحتهای هم

هست که دیه جراحتهای زن تا

ثلث با مرد مساوی است اما از

ثلث که بالا رفت دیگر برابر نیست.

یعنی چه؟ دست شکستگی و

پاشکستگی که دیگر زن و مرد

ندارد. چه فرقی می کند؟



حکایت

جوانمردی و سخاوت

علی (ع)

بیربن عوام پسر عمه پیامبر (ص) بود، مدتی پس از مرگ او، یکی از فرزندان او به حضور علی (ع) آمد و گفت: در دفتر حساب پدرم دیدم که پدرم از پدر تو (ابوطالب) چند هزار درهم طلبکار بوده است. علی (ع) فرمود: پدرت راستگو بود، آن مبلغ را دستور دادم به تو بدهند (و طبق دستور به او دادند). پس از مدتی فرزند زبیر به حضور علی (ع) آمد و عرض کرد: در حساب، اشتباه کرده ام، بلکه موضوع به عکس بوده و پدر شما آن مبلغ را از پدر من طلب داشته است. علی (ع) فرمود: بدهکاری پدرت را بخشیدم و آنچه را تو بابت طلب پدرت از من گرفتی، آن را نیز به تو بخشیدم.

عزل قاضی

بوالاسود دثلی از یاران مخلص و دوستان صمیمی امیرمؤمنان علی علیه السلام بود و در علم و عدالت و فضائل اخلاقی، به سطح عالی کمال رسیده بود به گونه ای که حضرت علی (ع) در دوران خلافتش، او را قاضی منطقه ای قرار داد، ولی پس از مدتی، علی (ع) او را از مقام قضاوت، عزل کرد. او به حضور علی (ع) آمد پرسید: چرا مرا از مقام قضاوت عزل کردی، آیا از من خیانت و انحرافی دیدی؟! امیرمؤمنان (ع) در پاسخ او فرمود: نه، در تو خیانتی ندیدم، ولكن صوتک یعلو صوت الخصمین: ولی هنگام قضاوت، صدای تو بلندتر از صدای دو نفری است که برای قضاوت (بین اختلاف و نزاع خود) به حضور تو آمده اند. یعنی قاضی نباید آنچنان بلند، سخن بگوید که صدایش بلندتر از صدای متهمین باشد، تا مبدا یکنوع تحمیل و هراس بر آنها وارد گردد، و در نتیجه آنها در گفتار خود در تنگنا قرار گیرند. آری تنها به این جهت تو را از مقام قضاوت، عزل کردم!

داستان دوستان

دایات بخواب (خنده جمع)

پس کسی با خدا قوم و خویشی ندارد. اگر کسی برداشتی کرد که قابل پذیرش نبود یا می تواند برود فکر کند و فکر دیگری به ذهنش برسد یا اگر فکر دیگری به نظرش نیامد حق را به کسانی بدهد که اشکال می کنند. بنده از آن کسانی هستم که هر کجا قانونی را بدون پذیرش می بینم می روم تلاش می کنم تا سر حد پذیرش اش. با همان متد فقهی و همان حرف امام خمینی سلام الله علیه و با فقه صاحب جواهری. من زحمت کشیده ام و روی زحمت خودم هم کار می کنم. ولو اینکه یک عده ای هم قبول نداشته باشند اما خدا و امام امت که قبول

قران می گوید با زنانان به خوبی برخورد کنید و خوبی از نظر بنده این را هم شامل می شود که بدون رضایت او حق ندارد برود (زن) بگیرد. چون وقتی می گیرد او اذیت می شود. مگر جاهایی که اذیت نمی شود. آن جاهایی که رسم بر این است که دو تا زن می گیرند و زن اول هم که رفته خانه شوهر می داند هوو سرش خواهد آمد. خب این در آنجاها معروف است اما در ایران که اگر زنی بفهمد شوهرش رفته زن دیگری گرفته مرگ موش می خورد و خودش را می کشد مسئولش چه کسی است؟ زندگی ها به هم می خورد و بچه ها بی سرپرست می شوند مسئولیتش با چه

انسان های والایی هستند. پس راحت مالیات می دادند - البته منظورم این نیست که الان انسان های والا نیستند. من مفهوم گیری نمی خواهم بکنم. دارم بحث تاریخی می کنم. به قول اهل علم، لقب مفهوم ندارد. سهولت قانون مالیات در آن مقطع باعث شده بود که مردم بپذیرند مملکت خرج دارد، امنیت می خواهد و باید مالیات بدهند و این پول ها هم روی حساب دارد خرج می شود و الکی خرج نمی شود...

بنده منظورم این نبود حاج آقا ...

اجازه بدهید من عرضم را تمام کنم... پس با این توضیحات حالا اگر من که وارد احکام اسلام شدم و قانونگذار



اگر کسی برداشتی کرد که قابل پذیرش نبود یا می تواند برود فکر کند و فکر دیگری به ذهنش برسد یا اگر فکر دیگری به نظرش نیامد حق را به کسانی بدهد که اشکال می کنند. بنده از آن کسانی هستم که هر کجا قانونی را بدون پذیرش می بینم می روم تلاش می کنم تا سر حد پذیرش اش. با همان متد فقهی و همان حرف امام خمینی سلام الله علیه و با فقه صاحب جواهری.

دارند. من از ۱۳۲۵ آمده ام در آخوندی. یعنی شصت سال است که من در آخوندی هستم. شصت سال است که در مسائل دینی کار می کنم. پدرم هم آخوند مسئله دان بوده و پدر بزرگم هم همین طور حالا من پس از این همه سال بنا را بر این می گذارم که اگر دیدم حکمی اشکال دارد بروم به دنبال رفعش. این را هم بگویم که من هر کجا رفتم در فقه شیعه به بن بست نرسیدم و لذا این جمله معروف را نوشته ام که اسلام حقوق همه انسان ها را برابر قرار داده است و هیچ تزییعی از حقوقشان نشده. قاعده سهولت از آن قواعدی است که مقدس اردبیلی قدس السره الشریف در فقهش بر آن تاکید می کند اما چرا فقه مقدس اردبیلی رواج پیدا نکرده، من نمی دانم چه چیز سببش بوده؟

کسی است؟ مسئولیتش با همین حکمی است که بنده و جناب عالی داده ایم. پس یکی از معیارهای سهولت قابل پذیرش بودن است. همین بحث خون بها را چون قابل پذیرش نیست دنیا دارد اشکال می کند در آن. خب حالا چاره چیست؟ من یک چیزی را برداشت کرده ام که قابل پذیرش نیست. نباید اگر کسی به من اشکال کرد بلافاصله بگویم به تو چه ربطی دارد؟ خدا این را گفته است. خب این که پذیرفتنی نیست، خدا که با کسی قوم و خویش نیست که. گفتند یک آخوندی رفت مسجد خواست از خودش تعریف کند، گفت من پسر خواهر خدا هستم و مردم هم به او احترام گذاشتند. آخر شب شد گفت من جا ندارم کجا بمانم؟ یک مستمع زرنگی جواب داد: 'خب برو خانه

شدم حکمی دادم که برای توده مردم قابل پذیرش نیست یا برای آنهایی که ذی سهم هستند قابل پذیرش نیست؛ باید بازنگری کنم. مثل همین بحث ازدواج مجدد مردان که حالا امیدواریم ان شاء الله تصویب نشود.

لایحه رفته به مجلس و در آن لایحه آمده که مرد اگر دادگاه تشخیص بدهد که وضع مالی اش خوب است و می تواند با عدالت از نظر مالی بین اینها رفتار کند، می تواند بدون رضایت همسرش برود ازدواج مجدد کند خب این پذیرش اش برای زنان جامعه مشکل است. کدام زنی است که بگوید می پذیرم مرد من وقتی که وضعش خوب شد بتواند برود زن های دیگری را چه کار کند؟ بگیرد. هیچ کس نیست، به قرآن هم که مراجعه می کنیم می بینیم



قدرتمندان نگذاشتند؟ چون هیچ وقت حاضر نشد به ایران بیاید. می گفت من به ایران نمی آیم برای اینکه سلاطینش به مردم ظلم می کنند. خب می بینید که جوری حرف می زنم که هیچ چیز نتوانید ازش دریابورید! (می خندد)

نه حاج آقا خیالتان راحت باشد ما هم کارمان را بلدیم!

استغفرالله ...

حضرت آیت الله صانعی سوال مشخص من این است: جنابعالی قبول دارید که قوانین موجود در حوزه زنان از معیار سهولت برخوردار نیست و گروه بزرگی از زنان نسبت به این

بزرگان این حرفها را گفته ام. هر بار گفته ام و آنها هم شنیده اند اما نمی کنند بنا هم نیست بکنند والله راه خیلی ساده است و حالا نمی خواهند. من هم کار ندارم. آنها صلاح را این جور می بینند و من نمی گویم مقصراند اما راه را برای شما عرض می کنم. ما طبق اصل ۴ قانون اساسی باید قوانین و مقررات مملکتمان مطابق با موازین اسلام باشد که این بر تمام اصول قانون اساسی حاکم است.

اما در بحث موازین من مرتب گفته ام که موازین چیزی نیست جز متدهای فقهی. برداشت من از قانون اساسی مخصوصاً این بندش که مترقی ترین

موافق است و به نفع عده ای از مردم هم هست. یا اینکه ما می گوئیم اجازه زن در ازدواج مجدد لازم است؛ ممکن است فقهای دیگر نفرموده باشند اما نمایندگان محترم اگر تشخیص دادند که این قانون خوبی است باید آن را بنویسند و شورای نگهبان هم نباید آن را رد کنند برای اینکه به هر حال کسی که این را گفته کسی است که معروف است که متد اسلامی را بلد است. تقوا هم دارد. بی دین هم نیست. غربی هم نیست. شرقی هم نیست و کار هم کرده. این می شود مطابق با موازین اسلام. به هر حال معیار در قانون اساسی، موازین و متد است نه فتاوا حتی در زمان پیروزی انقلاب هم مطرح بود که حالا ما انقلاب کرده ایم



ما می گوئیم اجازه زن در ازدواج مجدد لازم است؛ ممکن است فقهای دیگر نفرموده باشند اما نمایندگان محترم اگر تشخیص دادند که این قانون خوبی است باید آن را بنویسند و شورای نگهبان هم نباید آن را رد کنند، این می شود مطابق با موازین اسلام. به هر حال معیار در قانون اساسی، موازین و متد است نه فتاوا

قوانین نقد دارند؟ به چه چیزی نقد دارند این زنان؟

به قوانین موجود در زمینه دیه، ارث، طلاق، قضاوت، حضانت و ...

بنی صدر می گفت ار آنهايي که می گویند برسید. من که همه را حل کرده ام و فقط مانده حق طلاقشان که آن را هم حل می کنم. دیگر چه می گویند؟ عرض می کنم از آنجا که قوانین ما از فقه اسلامی گرفته می شود و شما هم می فرمایید هرگز در فقه شیعه به بن بست نرسیده اید پس چطور است که تا به حال همایی و اجماعی مثلاً در میان مراجع عظام برای بازنگری در این قوانین انجام نشده؟

من حدود ۱۵ سال قبل به بعضی از

اصل برای اسلامی کردن قانون است همان متد اسلامی است. یعنی راه هایی است که فقهای شیعه به دنبال اش رفته اند. مثل این که در باب ارث، ابن جنید ۱۱۰۰ قبل گفته که زن از همه اموال منقول و غیر منقول شوهر ارث می برد یا حاج آقا رحیم ارباب، عالم و عارف اصفهان می گوید زن از همه چیز ارث می برد، حالا اگر نمایندگان محترم تشخیص دادند که این به نفع مردم و به نفع نیمی از جمعیت است که ما بگوئیم زن از زمین متری ۱۰ میلیون تومان هم ارث می برد و این را تصویب کردند، بنده معتقدم فقهای شورای نگهبان نباید آن را رد کنند چون با موازین اسلام و با فتوای ابن جنید و حکومت را در دست گرفته ایم، با این اختلاف فتاوا چگونه می توانیم قانون بنویسیم؟ قانون را مطابق فتوای چه کسی بنویسیم؟ فردا که او فوت کرد چه کنیم؟ یا اگر فتوایش عوض شد چه؟ بنابراین همان موقع هم رسیدند به این که معیار همین موازین و متد است و خوشبختانه در قانون اساسی هم همین آمد. والسلام.

حاج آقا من متوجه نمی شوم. از یک طرف در مواردی مثل لباس ورزشی زنان و اساساً حضور زنان در مجامع ورزشی جهانی یا درباره ورود زنان به استادیومها گفته می شود که آیات عظام باید نظر نهایی را بدهند و از طرف دیگر جنابعالی به عنوان یک

قصاص

قتل فرزند توسط پدر یا مادر

به استحضار می رساند نظر به جایگاه انسان و کرامت انسانی در دین مبین اسلام و نگاه اسلام به کودکان که از زمان انعقاد نطفه حقوقی برای آنها قائل است، سرویس فقه و حقوق خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) قصد دارد نظر حضرت عالی را در باره سوال زیر جویا شود:

با توجه به افزایش گزارش های موارد فرزند کشی از سوی پدران نسبت به گذشته و با عنایت به نظر کارشناسان بسیاری مبنی بر این که وجود ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی (پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد) موجب تجری برخی پدران (هر چند اندک) شده و جنایت علیه کودک را سهل می کند، و همچنین با توجه به مفتوح بودن باب اجتهاد و نظر برخی از علمای اسلام مبنی بر این که عدم قصاص والد در صورت قتل ولد اختصاص به قتل هایی دارد که از راه عواطف و تخلف فرزند از نصایح خیر خواهانه پدر باشد و پدر بدون اختیار دست به چنین عملی زده نه سایر موارد، فرمایید:

۱- آیا این نظر را تأیید می کنید؟

۲- آیا با توجه به مقتضیات زمان، ماده ۲۲۰ مجازات اسلامی را نیازمند اصلاح می دانید؟

پیشاپیش از بذل عنایت و توجه حضرت عالی سپاس گزاریم.

بسمه تعالی

ج: استثنا از اصل کلی قصاص در قتل ولد توسط والد که در روایات صحیحه و معتبره آمده اختصاص به جایی دارد که قتل از راه عواطف و تخلف فرزند از نصایح خیر خواهانه پدر باشد نه سایر موارد که قتل با انگیزه های دیگر. که در بقیه قتلها وجود دارد- باشد، که در آن صورت اصل کلی قصاص ثابت است و به عبارت دیگر عدم قصاص والد اختصاص دارد به جایی که جان پدر با همه عواطف و نصایح و خیرخواهی برای فرزندش و تخلف فرزند، به لبش رسیده و تقریباً اگر نگوییم تحقیقاً، پدر کاً نُه به خاطر همان نصایح و تخلفها بدون اختیار دست به چنین عملی زده، نه در جاهایی که پدر با انگیزه هایی که

استفتاء

ادامه از صفحه قبل

در سایر قتلها موجود است قتل را انجام دهد، یعنی قتل به خاطر اغراض شخصی و دشمنی و طمع در مال و پست و ریاست و یا فاش نشدن خیانت‌ها و امثال آنها بوده. چون در این گونه قتلها والدیت و ولدیت که در لسان ادله آمده، هیچ گونه دخالت و سهمی نداشته و ادله استننا به خاطر همین دلالت، یا ظهور در قسم اول دارد و یا از قسم دوم منصرف است و به هر حال شمول دلیل استننا به خاطر اطلاق دلیل می باشد و آن اطلاق یا به خاطر همان اشعار ذکر شده و مناسبت حکم و موضوع منصرف از قتلها با انگیزه ضد بشری و ضد انسانی (یعنی قسم دوم) می باشد و تنها شامل قسم اول است، یعنی انصراف به سوی او دارد و یا اصولاً همان جهت دخالت عنوان والدیه و ولد در قتل و فهم عقلایی که قانونگذار نمی خواهد جنایت فرزند را بدون قصاص بگذارد و مناسبت حکم و موضوع سبب ظهور لفظی آن دلیل به واسطه قرینه ذکر شده در اختصاص به قسم اول است. به علاوه که اگر بر فرض قبول کنیم که دلیل اطلاق دارد و شامل همه قتلهای فرزند توسط پدر می شود نیز باید قائل به اختصاص بشویم، چون اطلاق خلاف قرآن و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الالباب می باشد، به خاطر آنکه با چنین استثنایی و نداشتن ترس از قصاص حیات فرزندان و جامعه تأمین نخواهد شد و ناگفته نماند آیه و لکم فی القصاص لسانش آبی از تخصیص است، پس اطلاق آن ادله مخالف با آن می باشد و باید ضرب علی الجدار شود. اما استننا از قصاص در مورد قتل عاطفی ولد توسط والد که بیان شد به حیات جامعه ضربه ای نمی زند، چون قتل پدر برای چنان قتل هایی مانع و رادع قتل پدران در آن حال خاص نمی باشد و از همه گذشته شاید بتوان گفت که اصولاً ادله قصاص نفس مختص به دعوی افراد از همان راه های دشمنی و حیوانی و ضد انسانی می باشد و از اول شامل قتل عاطفی و خیرخواهانه ای که جان پدر از باب خیرخواهی به لبش رسیده، نبوده و نمی شود و نیز باید توجه داشت که از همه گذشته احتمال اختصاص در ادله استننا مانع تمسک به اطلاق است و باید اقتضای بر قدر متیقن شود که همان قتلهای عاطفی پدر می باشد و فرقی بین مادر و پدر در قصاص و عدم قصاص نیست.

فتوا برای جامعه انفع است. حالا شما بروید ببینید انظر آقایان چه چیز برای جامعه انفع است. من نمی دانم. خودشان می دانند. (به نشانه تذکر سرفه می کنند و آیت الله صانعی تاکید می کنند که بحث سیاسی ای مطرح نیست)

در ادامه بحث جایگاه والای زنان در اسلام و قرآن سوال دیگری هم دارم که مربوط به سوره نساء است و توصیه ای که در این سوره به مردان شده است که...

(سر تکان می دهد) آهان که بروید زنانان را بزنید؟ همین را می گوید دیگر؟ جوابش خیلی ساده است و امام باقر سلام الله علیه جوابش را داده.

ایشان فرموده «واضربوهم» یعنی «واضربوهم بالمسواک» شما مکه مشرف شده اید؟

خیر. خدا قسمت کند. یک چوب های اراکی هست که می گویند مستحب است که دندان را با آن مسواک کنید. امام باقر تفسیر کرده اند از آیه که یعنی با همین چوب های مختصر کوچک، همین چوب های مسواک بزنید.

یعنی چه حاج آقا؟ اصلاً با هر وسیله ای چرا باید زن را بزنیم و بعد هم عده ای تفسیر کنند که مثلاً جوری زده شود که جای بجودی نماند و ...

حالا من می گویم خدمتان. آخر شما صبر کنید. این قدر عجله نکنید... ببینید این چوب

نصف این خودکاری است که در دست من است و می زند به زنش یعنی چه؟ یعنی بازی کنید. یعنی وقتی که دیدید پشت به او کردید، به راه نیامده و موعظه کرده اید، نشده، حالا دیگر از راه شوخی وارد شوید مثل تلنگری که می زنند. گفته شما با این چوب راه شوخی و الفت را باز کنید. کی گفته زنتان را بزنید با چوب و شلاق و صد ضربه بزنید یا بیشتر یا کمتر. آنقدر که خون آلود نشود یا سرخ نشود... کجا چنین چیزهایی گفته شده که تفسیر می کنند و اصلاً هم چطور می شود زد که نه سرخ شود و نه خون بیاید و اصلاً این چطور زدن است؟

این گفتگو ادامه دارد

دیگر شما چه می خواهید؟

خب حالا قانونگذار دلش می خواهد این طوری قانون وضع کند ما چه کنیم؟ پس نقش مراجع عظام در انطباق قوانین با موازین اسلام که شما می فرمایید جانبدار زن هستند چیست؟

بابا جان؛ مرجع تقلید فتوا می دهد. در عبادات و در امور فردی من باید به مرجع تقلید مراجعه کنم اما مراجع که نمی توانند ...

حاج آقا الان ضرورت تغییر در قوانین وجود دارد یا ندارد؟

بله وجود دارد اما مراجع تقلید حفظهم الله باید در فتوا دادن آزادی داشته

اما مراجع تقلید حفظهم الله باید در فتوا دادن آزادی داشته باشند و فقه شیعه هم بر آزادی آنها تاکید دارد. اما در مورد قوانین، مراجع برداشت هایشان را بیان می کنند و این قوه مقننه است که اگر بخواهد و صلاح ببیند بر اساس فتاوی قانون می گذارد. به آنها مربوط است. به من مربوط نیست. فایده مراجع این است که فتوای اسلام را می گویند و قانونگذار هم از میان این فتاوی یکی را می تواند بگیرد و لو اینکه فتوای فقهی است که هزار سال قبل فتوا داده و یا هیچ جایی در دولت ندارد و یا نشسته در یک روستا و فتوا می دهد.

باشند و فقه شیعه هم بر آزادی آنهاست اما هر مقلدی تا به قانون نرسیده در امور شخصی اش باید به فتوای مرجع تقلید خودش عمل کند اما در مورد قوانین، مراجع برداشت هایشان را بیان می کنند و این قوه مقننه است که اگر بخواهد و صلاح ببیند بر اساس فتاوی قانون می گذارد. به آنها مربوط است. به من مربوط نیست. فایده مراجع این است که فتوای اسلام را می گویند و قانونگذار هم از میان این فتاوی یکی را می تواند بگیرد و لو اینکه فتوای فقهی است که هزار سال قبل فتوا داده و یا هیچ جایی در دولت ندارد و یا نشسته در یک روستا و فتوا می دهد. قانونگذار است که باید بپذیرد که کدام

مرجع عظام می فرماید که از کسان دیگری درباره قوانین منبعت از فقه پیرسیم؟

الهم صلی الی محمد و آل محمد... بابا جان مافقط فتوای دهمیم. قانون را که ما نمی نویسیم. من نمی دانم اطلاعات حقوقی شما در چه حدی است؟ البته مقالاتتان را می خوانم در روزنامه. شما به هر حال تحصیل کرده اید و در دنیای امروز هستید ...

شما بفرمایید حاج آقا بنده اگر متوجه نشوم حتما می پرسم از خدمتان.

بله این خیلی هم خوب است. ببینید در فقه ما هست که حاکم بر مبنای فقهی خودش حکم می کند و به هر حال مبنای فقهی او با برخی فتاوی

می خواند و با برخی نمی خواند و حکمش می شود غیر ما انزل الله که در قرآن هم آمده به غیر ما انزل الله حکم نکند. اینجا از جاهایی است که حاکم بر مبنای فقهی خود مشکل را حل می کند تا خصومت فیصله پیدا کند. اما از نظر دلیلی شما یا قبول می کنید اسلام نظام حکومتی دارد و یا نه. مامی گوئیم اسلام نظام حکومتی دارد، چون بالاخره دزد را باید برد زندان و مجازات کرد... پس محکمه و قوه مجریه و مقننه می خواهیم و این هم یعنی حکومت، پس متد فقهی را باید در نظر گرفت نه فتاوی مختلف را. هم قانون اساسی چنین می گوید و هم غیر از این باشد اصلاً نمی شود مملکت را اداره کرد.

شما می فرمایید زن و مرد در دین اسلام برابرند و جایگاه زن در قرآن جایگاه والایی است ولی در عمل و در قوانین من به عنوان یک زن مدام با تضییع حقوق در قوانین نوشته شده بر اساس اسلام رو به روی می شوم... کجاها؟ بگوئید تا من بفهمم. درد مال شماست. شما بهتر می دانید. گفت غم مرگ برادر را برادر مرده می داند. عرض کردم خدمتان قبلاً.

دیه را که من گفتم و حل شده است و دیگر پاسخگوی کار دیگران نیستم. ارث و طلاق را هم می گویم. دیگر چه مشکلی دارید؟ ما که می گوئیم اصلاً زن می تواند ولی فقیه و امام جمعه بشود.



فقه اسلامی که حیات و طراوتش را از قرآن و سنت گرفته، عمر هزار ساله اش را مدیون تلاش فقیهان و مجتهدانی است که در این زمان طولانی، با فرایند نوسازی و نگرشهای بکر در حوزه های اجتماعی و سیاسی روبرو بوده و به خاستگاه نسلهایی که هراز گاهی به نشر شبهات و دیدگاه های جدید رو می آورند، توجه جدی مبذول داشته و پاسخگوی تأثیر گذاری نیز در زندگی مسلمانان به شمار آمده تا جایی که حتی توانسته گاهی اعجاب مکتبهای حقوقی را نیز برانگیزاند.

در متن زندگی انسان، حاضر بدانند. پرداختن فقیهان به خلأها و نیازها، استفاده از تخصص های مؤثر در اجتهاد، تفاوت گذاردن میان تکریم و احترام به شخصیت فقیهان پیشین با نقد افکار و دیدگاه های فقهی آنان، پرهیز از فرو رفتن در فروعات نادر و کمیاب، مگر به هنگام ضرورت و استغنا، از عوامل مؤثر در بالندگی و تشعشع فقه شیعی است. لذا امروزه، با توسعه دانش و فن آوری، و گسترش ارتباطات و بحث جهانی شدن، فقه را با پرسش هایی جدی مواجه می سازد که با عدم پاسخ صحیح

همگام با پیشرفت تکنولوژی و صنعت، به دام یکسو نگری و جزم اندیشی نیفتاد و فرزند زمانه خود بود. از طرفی نیز نباید هضم در جامعه جهانی شد و سنت را به کنار نهاد و تنها با

۱- قرآن فقهای بزرگ اسلام، همواره، قرآن را

به بهانه انتشار مجدد کتاب

فقه پویای شیعه و چگونگی



بی شک این طراوت و باروری فقه به چگونگی رصد علما و فقهای بر می گردد که قرنهای پویایی و حیات پر بار اجتهاد را با واقع نگری خویش به اثبات رسانده اند؛ اجتهادی زنده و پویا که بر تقابل میان جمود اخبار یگری و استنباط صحیح و منبعت از وحی، تأکید کرده اند. مجتهدان و فقهای شیعه، تلاش کرده اند تا ضمن درک درست و تبیین دقیق از عقل و اجماع به رویکردهایی توجه کنند که بتوانند فقه را به عنوان واقعی و حقیقی انکار ناپذیر در اصلاح جوامع بشری عرضه کنند تا هم قدرت تعامل و تقابل با تمام مکتبهای گونه گون را داشته باشد و هم قابلیت تحقق و پاسخگویی به آلام و دردهای بشری. لذا در تاریخ هزار ساله فقه می بینیم که فقیهان با تمام توان به مقابله با قشری گری و جمود اندیشه شتافته اند و از اکتفا کردن به پاره ای از منابع روایی و فقهی پرهیز دارند و تلاش می کنند تا آن را با همه تحولات و فراز و فرودهای

و دقیق، تمام آن شکوه و عظمت تفقه در دین، دستخوش حوادث و تحلیلهای غرض وزرانه می گردد و فلسفه عملی

تمسک به قرآن به حل و فصل قضایا شتافت، بلکه باید بارویکردی عقلانی، به سمت پاسخ هایی اقتناعی برویم که

مجتهدان و فقهای شیعه، تلاش کرده اند تا ضمن درک درست و تبیین دقیق از عقل و اجماع به رویکردهایی توجه کنند که بتوانند فقه را به عنوان واقعی و حقیقی انکار ناپذیر در اصلاح جوامع بشری عرضه کنند تا هم قدرت تعامل و تقابل با تمام مکتبهای گونه گون را داشته باشد و هم قابلیت تحقق و پاسخگویی به آلام و دردهای بشری.

آن با شکست روبرو می گردد. اگر امروز تصویری می کنیم که می توانیم با پاره ای پاسخ های سطحی و اعمال تبعیدی، موفق باشیم، به خطا رفته ایم و این رویکرد ممکن است در کوتاه مدت پاسخ دهد، اما در دراز مدت کارساز نیست و کفایت نمی کند. باید به سوی شناخت جامعه و زندگی ماشینی رفت و

نخستین منبع فقهات و اجتهاد می دانستند و در استفتاهای فقهی خود از آن غفلت نمیورزیدند. عقیده ما این است که هر چه این اهتمام بیشتر گردد و تعمق و تفکر در آیات الهی بیشتر شود، اجتهاد و فقهات، به صواب نزدیک تر خواهد بود و بسیاری از فتاوا و استنباطهای اجرا ناپذیر و مخالف سهولت و یسر قرآنی از میان خواهد رفت. قرآن کریم در آیات متعددی به هنگام بیان احکام بر آسانی (یسر) و به تعبیر دیگر، اجرپذیری آن تأکید میورزد. به عنوان نمونه، خداوند در شش آیه، از آسان ساختن قرآن به صورت کلی، سخن گفته است:

(وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ) (۱)

همچنین راه را نیز آسان کرده است:

(ثُمَّ السَّبِيلَ يَسِّرُهُ) (۲)

و نیز در تلاوت قرآن (۳) و قربانی کردن در حج (۴) از آسان نمودن سخن رانده است و به صورت قاعده ای کلی فرموده است:



يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ.^(۵)

به گمان ما، یسر و عسر، می تواند یکی از شاخص های ارزیابی و سنجش استنباطهای فقهی قرار گیرد؛ چرا که این

در روایتی از رسول خدا آمده است که فرمود:

قد كثرت على الكذابة و ستكثر، فمن كذب على متعمداً فليتبوا مقعده من النار....^(۶)

چهره راستگویی ما را با دروغ بستن بر ما، نزد مردم خراب می کنند.

هشام بن حکم می گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود:

لا تقبلوا علينا حديثاً الا ما وافق القرآن والسنة، أو تجدون معه شاهداً من

أحاديثنا المتقدمه، فان المغيرة بن سعيد . لعنه الله . دس في كتب أصحاب أبي،

أحاديث لم يحدث بها أبي، فاتقوا الله، ولا تقبلوا علينا ما خالف قول ربنا تعالی

و سنة نبينا محمد(صلى الله عليه وآله).^(۷) حدیثی را از جانب ما نپذیرید، مگر آن که

با قرآن و سنت، سازگار باشد و یاد در میان

ائمه (علیهم السلام) به عنوان عرضه اخبار بر قرآن از آن سخن رانده اند.

در این روایت، امام صادق (علیه السلام) می فرماید که هیچ گاه حدیثی را که به ما نسبت می دهند، پیش از عرضه بر قرآن و سنت نپذیرید.

در منابع اهل سنت از ابوهریره و به نقل از پیامبر خدا چنین آمده است:

سأيتكم عنی أحاديث مختلفة، فما جاءكم موافقاً لكتاب الله و لسنتی فهو منی، و ما جاءكم مخالفاً لكتاب الله

ولسنتی فليس منی.^(۸) زمانی خواهد آمد که سخنان گونه گون

گر انسنگ فقه و زندگی

رنگی رصد علما و فقها

مدین صناعی



از من برایتان گزارش می شود. پس آنچه موافق کتاب خدا و سنت من باشد، از من است و آنچه با کتاب خدا و سنت من مخالف باشد، از من نیست.

بی شک در این باره، روایات بسیاری وجود دارد که بررسی تمام آن ها به درازا می کشد و لذا به آنچه اشاره شد بسنده می کنیم.

البته در این زمینه، بررسی های سندی و رجالی نیز نباید نادیده انگاشته شود.

دانش رجال، سهمی وافر در ارزیابی صدور و انتساب احادیث دارد؛ ولی اکتفا بر آن، به هیچ روی فقیه را از لغزش در استنباط خود و افتادن در دامان احادیث

ساختگی، باز نمی دارد؛ زیرا کسی که به نام راوی مشهور به کذب حدیث جعل کند، آن را منتشر نمی سازد، چنان که

کسی که اسکناس جعل می کند، تلاش می کند رنگ و شمایل و ویژگی های

اصل را منظور دارد؛ و گرنه اسکناس بدلی به سرعت شناخته می شود.

احادیث پیشین ما شهادی بر آن بیابید؛ چرا که مغیره بن سعید . که لعنت خدا بر او باد . احادیثی را در کتب یاران پدرم وارد

دروغ زنان بر من زیاد شده اند و زیادتر می شوند. هر کس به عمد بر من دروغ ببندد، جایگاهش از آتش پر می شود.

کلام، جاودانه، جامع و برای همگان است و باید به گونه ای باشد که ظرفیت پاسخگویی به نیازها را داشته باشد ولی امکان پذیر کردن این امر با احکام ثانویه و بحث اضطرار و ضرورت، نشان حکمت

در تشریح نخواهد بود. پس، احکام الهی در تشریح اولیه اش می تواند در اکثر

ظرفیت ها به اجرا درآید و جز در موارد خاص، اندک و نادر، استثنا بر دار نیست.

و این، معنای یسر قرآنی در تشریح است.

۲. سنت

دومین سند دین شناسی و فقهات و اجتهاد، رجوع به سنت است. اجتهاد،

هیچ گاه به انجام نمی رسد، مگر آن که فقیه، روایات و احادیث را به درستی

بررسی کند؛ لیکن از آن جا که در طول تاریخ اسلام، جعل و وضع در سخنان

پیامبر (صلی الله علیه وآله) و ائمه (علیهم السلام) با انگیزه های مختلف صورت

پذیرفته تشخیص سره از ناسره، و شناسایی و بررسی آنها، بخش مهمی از

اجتهاد را تشکیل می دهد.

اگر امروز تصویری می کنیم که می توانیم با پاره ای پاسخ های سطحی و اعمال تعبّدی، موفق باشیم، به خطر رفته ایم و این رویکرد ممکن است در کوتاه مدت پاسخ دهد، اما در دراز مدت کار ساز نیست. باید به سوی شناخت جامعه و زندگی ماشینی رفت و همگام با پیشرفت تکنولوژی و صنعت، به دام یکسونگری و جزم اندیشی نیفتاد و فرزند زمانه خود بود.

سامان (علیهم السلام) نیز با تعبیری های گوناگون بر این امر تأکید کرده اند. امام صادق (علیه السلام) فرموده است:

انا اهل بیت صادقون، لا نخلو من کذاب یکذب علینا، و یسقط صدقتنا بکذبه

علینا عند الناس.^(۹) ما خاندان راستگویی هستیم که

دروغگویان، بر ما دروغ می بندند و ساخت که هرگز بر زبان پدرم جاری نشده بود. پس، از خدا پروا کنید و هیچ سخنی را که با کلام پروردگار بزرگ و سنت پیامبر ما محمد (صلی الله علیه وآله) سازگاری ندارد، به ما نسبت ندهید.

برای شناسایی احادیث جعلی، بهترین راه، نقد محتوایی یا نقد متن است؛ یعنی آنچه پیامبر (صلی الله علیه وآله) و



فراز و فرود اصلاح قانون ارث بری زن از شوهر

قسمت دوم و پایانی

مخالفان و موافقان در مجلس

این طرح پس از بررسی در کمیسیون زنان، جوانان و امور خانواده و نیز قضایی و حقوقی برای رای گیری به صحن مجلس آمد.

اولین مخالف این طرح محمدعلی یثربی نماینده قم بود. او با اشاره به اینکه طرح ارائه شده به مجلس بر اساس ادبیات فقهی و حقوقی تنظیم نشده و برخلاف فتاوی مشهور فقهاست، گفت: این طرح قاعدتا در شورای نگهبان تایید نمی شود و مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در صورتی می تواند آن را تصویب کند که رگه هایی از مباحث فقهی در آن باشد. اما سیدناصر قوامی نماینده قزوین و رئیس کمیسیون قضایی مجلس سخنان یثربی را قانع کننده ندانست و در موافقت با طرح گفت: اگر مرد از دنیا برود و وارثی هم جز زن خویش نداشته باشد، در این صورت زن تنها یک چهارم ارث می برد و مابقی آن می گویند سهم امام است. ولی چنانچه زنی با همین کیفیت فوت کند، مرد تمام اموال او را به ارث می برد. این در حالی است که زن هرگز نمی تواند از اموال غیرمنقول مرد از قبیل زمین، ارثی ببرد.

وی با بیان اینکه در زمان شیخ مفید که همزمان با غیبت صغری امام زمان (عج) بود گفته می شد که اموال مرد با کیفیت یاد شده متعلق به امام معصوم است، افزود: ولی در حال حاضر ما امام معصومی نداریم و از طرفی چه ضرورتی وجود دارد با این همه پول نفت و مالیات و درآمدهای دولتی، اموال یک زن بیچاره را هم بگیریم؟

قربانی، نماینده قائنات، به استدلال های قوامی اعتراض کرد و گفت: اینکه بگوییم امام معصوم در حال حاضر وجود ندارد، صحیح نیست. زیرا براساس فتاوی مشهور تمام اختیارات امام معصوم در زمان غیبت به فقها می رسد و هم اکنون نیز چنین قانونی در کشور ساری و جاری است.

قربانی سپس در ادامه مخالفت خود با طرح مذکور افزود: در اینکه روایات متفاوت وجود دارد بحثی نیست، ولی مشهور فتاوی فقها چیست؟ یک روایت ده دقیقه ای را مطرح می کنیم و بلافاصله می خواهیم از مجلس رای بگیریم و بعد هم با عنوان اینکه شرایط زمان و مکان تغییر کرده می خواهیم بسیاری از فتاوی مشهور را از بین ببریم. وی با بیان اینکه زمان و مکان در برخی موضوعات بی تاثیر است و برای ابدالدهر برخی قوانین غیرقابل تغییر است، بحث حقوق زن و مرد را هم نمونه ای از این قانون عنوان کرد.

سخنان قربانی با مخالفت اکرم مصوری منش مواجه شد. وی با اشاره به اینکه بر مبنای سخنان امام (ره) اجتهاد تابع شرایط زمانی و مکانی است، افزود: آیا براساس تغییرات زمانی و مکانی وقت تغییر چنین قوانینی رسیده است یا خیر؟ مصوری منش قانون محروم بودن زن از اموال غیرمنقول مرد را به روابط قبیله ای زمان های گذشته مرتبط دانست و گفت:



در آن زمان وقتی مردی فوت می کرد بنابر رسوم قبیله ای زن به خانه پدرش برمی گشت و اگر از زمین ارث می برد می توانست منشا مشکلاتی برای زندگی قبیله ای باشد. آیا شرایط امروز جامعه هم به همین نحو است؟ وی گفت: در شرایطی که نقش زنان در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه به شدت افزایش یافته است ما چگونه به زنان و دختران جوان بقبولانیم که در امور اجتماعی مشارکت کنند و در تامین اقتصاد خانواده سهیم باشند اما از حق ارث در برخی زمینه ها محروم و در برخی زمینه ها نیز تنها یک چهارم برخوردار شوند؟

این نماینده با بیان اینکه در هیچ کجای قرآن چنین چیزی نوشته نشده، به سخنان یثربی پاسخ داد و گفت: می گویند شورای نگهبان رد می کند ولی ما می گوئیم رسالت مجلس با رسالت شورای نگهبان فرق می کند. می گویند برای اینکه در مجمع تشخیص مصلحت تصویب شود باید رگه های فقهی در آن

باشد ولی ما می گوئیم اگر جمهوری اسلامی می خواهد دوام داشته باشد باید قوانینی را تصویب کند که در راستای مباحث روز جامعه باشد.

پس از شنیدن سخنان مخالف و موافق، رای گیری به عمل آمد که اکثریت قاطع نمایندگان مجلس به آن رای مثبت دادند و مصوبه برای اعلام نظر به شورای نگهبان ارسال شد.

سرانجام این مصوبه در قالب اصلاح مواد ۹۴۶ و ۹۴۹ قانون مدنی و حذف مواد ۹۴۷ و ۹۴۸ همین قانون در روز ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ تصویب شد.

تصویب این طرح، با استقبال زنان مواجه شد. انجمن حامیان زنان که زهرا اشراقی ریاست آن را برعهده داشت از مجلس قدردانی کرد: «عدالت» روح اسلام و مرام عاشقان و پیروان آن است. پس چه جای عجب که در نظام جمهوری اسلامی ایران، زنان و مردان ایران زمین در سایه ی قانونی بدون تبعیض به شکوفایی برسند. انجمن حامیان زنان ایران در اطلاعیه ی

اخبار حوزه

مجمع طلاب پاکستانی برگزار نمود

همایش صدور انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی

همایش "صدور انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی" از سوی مجمع فرهنگی طلاب پاکستان در قم برگزار شد.

به گزارش مرکز خبر حوزه، در این همایش رییس مجمع فرهنگی طلاب پاکستان با اشاره به جایگاه و نقش انقلاب اسلامی در بیداری ملل مسلمان گفت: انقلاب اسلامی ایران منحصر به جغرافیای ایران نیست، بلکه مقدمه برپایی انقلاب جهانی با عنصر اسلامی است.

حجت الاسلام غلام عباس رئیسی افزود: انقلاب اسلامی موجب احیاء فطرت انسانی و دینی در دنیای کنونی شده است و صدور انقلاب اسلامی نیز به این معناست که محتوای آن باید به سایر جهان صادر شود.

وی با بیان اینکه همه باید از ارزش های متعالی انقلاب اسلامی دفاع کنیم گفت: وظیفه شرعی و عقلی هر مسلمانی است که از انقلاب اسلامی دفاع کند و تلاش نماید آن را به سرزمین های دیگر گسترش دهد.

سخنران همایش بهره مندی از مبادی فرهنگی، عقلی و برهان و استدلال را از شیوه های صدور انقلاب اسلامی برشمرد و خواستار توجه به معارف قرآنی در نشر ارزش های انقلاب شد. وی با بیان اینکه امام راحل انقلاب را بر پایه ارزش های متعالی دینی بنیان نهاده گفت: امام خمینی با انقلاب اسلامی، تمامی ارزش ها و آرمان های اسلامی را احیا کرده و در این حرکت، مخاطب ایشان تنها مردم ایران نبودند بلکه تمام جهانیان را مورد خطاب قرار دادند.



بدون اجتهاد، بدون توجه به عقل و بی توجه به مصالح و مفاسد، نقل شده است. وی ادامه داد: در آن دوران موضوع هوا و فضا، اعماق چند هزار متری زمین و مسائل پیچیده امروزی وجود نداشت؛ مسائل مستحدثه مسائلی هستند که هر لحظه اتفاق می افتند و در دوران کنونی، ما باید با عقل و منابعی که در اختیار داریم، آنها را حل کنیم.

رئیس مجلس خبرگان رهبری با تاکید بر لزوم تغییر برخی احکام در دوره جدید اظهار داشت: من یک بار به خاطر مساله ارث در خانواده خودمان فکر کردم که چرا حکمی وجود دارد که می گوید همسران نمی توانند از زمین ارث ببرند؟ این مساله برای من قابل توجه نبود چرا که قرآن این را نمی گوید و تنها بحث یک چهارم از اموال همسر مطرح است. پس از بررسی این مساله متوجه شدم به خاطر موضوعی که در زمان فوت پیامبر درباره مالکیت زمین از سوی یکی از همسران ایشان وجود داشته، بحثی بر سر این امر بین شیعه و سنی پدید آمده است. وی افزود: این فتوای بسیار معروفی است که اکنون هم به آن عمل می شود و زن ها نمی توانند حق خود را از ارث همسر بگیرند. پس از اینکه به قم رفتم و با مراجع دیگر صحبت کردم آنها گفتند با احتیاط و مصالحه در این زمینه عمل

شود، صحبتی هم با رهبر معظم انقلاب در این زمینه داشتم، ایشان دستور دادند علما در جلسه شب های پنجشنبه در این باره بحث کنند. آیت الله شاهروی این بحث را آغاز کرد و این فتوا خیلی اصلاح شد. اکنون هم به مجلس رفته تا در صورت تایید، به شکل قانون درآید. رئیس مجمع تشخیص زنان تصریح کرد: ۱۴ قرن است حق زنان در ارث شوهران شان پایمال می شود. موارد بسیار زیاد دیگری هم از این قبیل وجود دارد.

در همین حال سخنگوی فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی از بررسی نکات ابهام سهم الارث زنان در این فراکسیون خبر داد.

لاله افتخاری به برنا گفت: در خصوص سهم الارث بانوان نکته ابهامی وجود داشت لذا ما استفتای دیگری از مقام معظم رهبری کردیم.

وی با بیان اینکه این نکته ابهام به ضرر خانم ها بود و همچنان در حال پیگیری هستیم، در این خصوص افزود: سهم الارث زن که اگر همسر فوت شده وی

مجلس در فراکسیون زنان مجلس حاضر شد و توضیحات کاملی را راجع به روند اصلاح ماده ۹۴۷ به اعضا داد اما فاطمه آجرلو عضو فراکسیون زنان مجلس در گفتگو با ایسنا از معوق ماندن این بحث در جلسه علنی برای پژوهش و بررسی بیشتر خبر داد. نهم تیرماه ۱۳۸۳ زمان رسیدگی مجدد این طرح در دستور جلسه بود که نمایندگان با تذکر نسبت به اینکه در جریان این طرح نیستند خواستار خروج طرح از دستور جلسه شدند که با موافقت رئیس مجلس این طرح از دستور خارج شد. مخبر کمیسیون حقوقی و قضایی همچنین از حذف مواد ۹۴۷ و ۹۴۸ قانون مدنی به علت مغایرت با نظر اکثر فقها خبر داد.

در آذرماه ۱۳۸۶ نمایندگان مجلس هفتم باردو فوریت رسیدگی به طرح نحوه ارث بری زنان از اموال غیر منقول شوهر، به یک فوریت آن رای دادند اما هنوز مخالفینی وجود داشت. با استفتای نفیسه فیاض بخش از مقام رهبری و تغییر ادبیات این طرح، احتمال تصویب سریع آن شدت گرفت اما نمایندگان مجلس در اردیبهشت ماه ۱۳۸۷ و در آخرین ماه کاری مجلس هفتم،

به بررسی خارج از نوبت طرح ارث بری از اموال غیر منقول رای ندادند.

مجلس هشتم چه می کند؟

طرح باقی مانده از مجلس ششم که در مجلس هفتم دستخوش تغییرات زیادی شده بود در ۱۸ آذرماه ۱۳۸۷ بار دیگر در جلسه علنی مجلس هشتم مطرح شد و نمایندگان به دلیل وجود ابهام آن را برای انجام تغییراتی به کمیسیون قضایی و حقوقی بازگرداندند.

همزمان با بررسی این طرح در کمیسیون قضایی و حقوقی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نسبت به اصرار بر مدیریت جامعه بدون در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان انتقاد کرد.

وی گفت: امروز اتکا به عقل و تعقل لازمه فقه و اجتهاد است و به آسانی نمی شود از توجه ویژه بی که قرآن به تعقل دارد، گذشت.

آیت الله هاشمی رفسنجانی تصریح کرد: نمی توان جامعه بی را که تحت عنوان اسلام اداره می شود، با برخی روایاتی مدیریت کرد که هزار و چند سال پیش در آن شرایط

خود از شورای نگهبان درخواست کرد تا به تصویب این قانون در راستای اثبات حقوق بشر در ایران اقدام کند.

رئیس فراکسیون زنان مجلس از جمله افرادی بود که پس از تصویب، به شدت از تساوی زوجین در ارث بری دفاع کرد. حمیده عدالت با بیان اینکه فقها و کارشناسان فقهی معتقدند تساوی زن و مرد در ارث هیچ منافاتی با اسلام ندارد، افزود: لذا لایحه تساوی ارث بین مرد و زن که در مجلس تصویب شده با اسلام منافات ندارد و اگر شورای نگهبان آن را

در شرایطی که نقش زنان در

امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

و اقتصادی جامعه به شدت

افزایش یافته است ما چگونه به

زنان و دختران جوان بقبولانیم

که در امور اجتماعی مشارکت

کنند و در تامین اقتصاد خانواده

سهیم باشند اما از حق ارث در

برخی زمینه ها محروم و در

برخی زمینه ها نیز تنها یک

چهارم بر خور دار شوند؟

رد کند، این لایحه را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع می دهیم.

وی ادامه داد: عدم تساوی ارث بین زن و مرد در مجامع بین المللی یک تبعیض آشکار تلقی می شود لذا تصویب این لایحه که از خواسته های بحق جامعه زنان است نه تنها حقوق زنان را تأمین می کند بلکه از بسیاری از توهومات پیشگیری می کند.

این طرح یک روز پس از تصویب برای اعلام نظر به شورای نگهبان فرستاده شد. اما شورای نگهبان آن را در ۹ خردادماه همان سال خلاف موازین شرع شناخت. زمان تا پایان عمر مجلس کوتاه تر از آن بود که آن را به مجمع تشخیص مصلحت بفرستند.

مجلس هفتم ناکام در اصلاح قانون ارث

یک ماه پس از آغاز مجلس هفتم رسیدگی به طرح برابری زن و مرد در ارث بردن از تمام اموال یکدیگر در دستور کار مجلس قرار گرفت.

یک روز پیش از رسیدگی، اکرم مصوری منش، نماینده سابق مردم اصفهان در

آیت الله شاه آبادی

با عزلت نشینی

کار درست نمی شود

امر به معروف و نهی از منکر از وظایف مومنین است و با عزلت نشینی و ذکر گفتن، کار درست نمی شود بلکه باید در میان مردم بود و آنان را ارشاد نمود.

آیت الله شاه آبادی در مراسم اعتکاف مسجد اعظم قم با اشاره به آیات قرآن کریم اظهار داشت: آرامش دل به ذکر و تسبیح نیست بلکه دل به یاد خدا در تمام لحظات خصوصا در هنگام پرهیز از گناه آرام می گیرد.

وی اعتکاف را موجب پاکي روح انسان خصوصا جوانان دانست و افزود: خداوند در ایام اعتکاف همه را بسوی خود و توجه به معبود دعوت کرده است و حضور جوانان در این میهمانی کاشف از اقبال جوانان به دین، خدا و رستگاری است.

این استاد حوزه با اشاره به علاقه مندی جوانان به سیرالی الله و تشریف به خدمت امام زمان (عج)، بندگی را اولین مرحله سیرالی الله برشمرد و گفت: از دیدگاه امام علی (ع) بندگان سه دسته اند، دسته اول به طمع بهشت و دسته دوم به ترس از جهنم، خدا را بندگی می کنند، ولی بالاترین مرحله بندگی، بندگی ابرار و آزادگان است که بدون هیچ چشم داشت و اجر و ثواب، بهشت یا مقامات معنوی، خدا را بندگی می کنند و این دسته از بندگان در مسیر سیرالی الله گام می نهند.

آیت الله شاه آبادی ادامه داد: انجام واجبات و ترک محرمات، اصلی ترین مرحله در سیرالی الله است که باید با تلاش و مجاهده در مسیر آن گام نهاد.

وی با اشاره به فزاینده های از دعای رجب اظهار داشت: باید وظیفه خود را شناخته و به آن عمل کنیم، البته خداوند با اعمال کم بندگان، عنایات بیکران دارد و قبل از آنکه از او مسئلت کنیم عطا می کند.

این استاد حوزه گفت: باید بر روی هوای نفس پا گذاشت و نفس را کنترل کرد و دشمنی شیطان را باور داشت زیرا تمامی لغزش ها، بدبختی ها و گناهان از باور نداشتن دشمنی شیطان با بندگان خدا سرچشمه می گیرد.

آیت الله شاه آبادی افزود: در گرفتاری ها از خدا کمک بگیرید و قبل از آن که دست نیاز به سوی نیازمند دیگر دراز کنید از نجات دهنده و بی نیاز حقیقی مدد بگیرید.

واشجاراثر می بردونه از عین آنها و طریقه تقویم آن است که ابنیه واشجار با فرض استحقاق بقاء در زمین بدون اجرت تقویم می گردد.

ماده ۹۴۸ - هرگاه در مورد ماده قبل از ورثه از اداء قیمت ابنیه و اشجار امتناع کند زن می تواند حق خود را از عین آنها استیفاء نماید.

ماده ۹۴۹ - در صورت نبودن هیچ وارث دیگر بغیر از زوج یا زوجه شوهر تمام ترکه زن متوفات خود را می برد لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلا وارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود.

اصلاحیه مجلس ششم مصوب ۱۳۸۳ ماده ۹۴۶ - زوجین از تمام اموال یکدیگر ارث می برند.

ماده ۹۴۷ - حذف می شود.

ماده ۹۴۸ - حذف می شود.

ماده ۹۴۹ - در صورت نبودن هیچ وارث دیگر به غیر از زوج یا زوجه، هر کدام تمام ماترک همسر متوفی خود را ارث می برد.

قانون مصوب مجلس هفتم در ۱۳۸۷ ماده ۹۴۶ - زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد و زوجه در صورت فرزند دار بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیر منقول اعم از عرصه و اعیان ارث می برد و در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد، سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق می باشد.

ماده ۹۴۷ - حذف می شود.

ماده ۹۴۸ - هرگاه ورثه از اداء قیمت امتناع کنند زن می تواند حق خود را از عین اموال استیفاء کند.

حضرت آیت الله العظمی

صانعی در سال ۱۳۷۵

معتقد به ارث بردن زن از

اموال منقول و قیمت

اموال غیر منقول بوده،

ولی در سال ۱۳۸۶ با به روز

کردن نظر فقهی خود به

این نتیجه رسیدند که زن

از عین تمام اموال شوهر

چه منقول و چه غیر

منقول ارث می برد.

در این مورد صورت گیرد.

زهره ارزشی حقوقدان با اشاره به اینکه این گام مثبتی جهت برخورداری زنان از اموال همسرشان است، به سرمایه می گوید: به این ترتیب بسیاری از زنان روستایی از اموال غیر منقول همسرشان پس از فوت او ارث خواهند برد اما هنوز نابرابری های دیگر در زمینه قوانین ارث وجود دارد که امیدواریم قانونگذار آنها را نیز اصلاح کند.

وی می افزاید: یکی از این نابرابری ها این است که زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد اما زوجه در صورت فرزنددار بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم اموال غیر منقول اعم از اعیان را ارث می برد و در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از اموال منقول همسرش و اعیان است. این حقوقدان ادامه می دهد: در حالی که زن و شوهر هر دو با هم برای زندگی تلاش می کنند اما قسمت اعظم ارث نصیب فرزندان می شود بنابراین قانونگذار باید راهکارهایی هنگام ازدواج پیش بینی کند تا زن هم بتواند در دارایی های مشترک سهمش را داشته باشد.

شادی صدر حقوقدان نیز با اشاره به اقدام مثبت کمیسیون قضایی مجلس می گوید: این اقدام نمی تواند تمامی مشکلات قوانین ارث را حل کند. اینکه ارث دختر نصف پسر است نص صریح قرآن است اما اینکه اگر مرد فرزندی نداشته باشد سهم همسرش یک چهارم از کلیه اموال همسرش باشد و سه چهارم بقیه به دولت برسد جز نص صریح قرآن نیست و هیچ توجیه منطقی و مبانی فقهی درستی هم ندارد بنابراین قانونگذار می تواند این قانون را جهت رفع نابرابری ها در قوانین ارث اصلاح کند.

در حالی که شورای نگهبان در زمان مقرر نظر خود را نسبت به این طرح اعلام نکرده بود، رئیس جمهور این قانون را در ۲۱ اسفندماه ۱۳۸۷ جهت اجرا ابلاغ کرد.

در دل گزارش کارشود:

قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷

ماده ۹۴۶ - زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد لیکن زوجه از اموال ذیل: (۱) از اموال منقوله از هر قبیل که باشد.

(۲) از ابنیه واشجار.

ماده ۹۴۷ - زوجه از قیمت ابنیه

فرزندی نداشته باشد مشخص نبود که از عرصه (زمین) و عیان (بنا) هر دو می برد یا از قیمت آن؛ در حقیقت مشخص نبود که اگر فرزند نداشته باشد از عین می برد یا باید قیمت آن را بدهد.

آیت الله صانعی چه می گوید

یک روز پیش از بررسی در صحن مجلس، خیرگزاری ایسنا نظر آیت الله صانعی را بر روی خروجی خود منتشر کرد.

این مرجع تقلید که در زمان تدریس مبحث ارث در درس خارج فقه در سال ۱۳۷۵ خود معتقد به ارث بردن زن از اموال منقول و قیمت اموال غیر منقول بوده، در بررسی های مجددی در زمان تدوین کتاب الارث با بررسی دیدگاه های موافق و مخالف فقهی و نظرات حقوقدانان، جامعه شناسان و کارشناسان مسائل زنان در سال ۱۳۸۶ با به روز کردن نظر فقهی خود گامی در جهت تساوی زن و شوهر در ارث برداشت. بر طبق این نظر زن از عین تمام اموال شوهر چه منقول و چه غیر منقول ارث می برد.

وی همچنین در نظری که در سال ۱۳۷۶ بیان کرد، معتقد است اگر وارث دیگری نباشد زن همه اموال شوهر را به ارث می برد. اگر چه این نظرات شنبهتی به طرح اصلاح شده در مجلس هشتم نداشت اما بسیاری از ناظران امیدوار بودند با انتشار مجدد این نظر مجلس قدمی بزرگ تر در احیای حقوق زنان بردارد.

طرحی که سرانجام قانون شد

سرانجام این طرح در ۶ بهمن ماه ۱۳۸۷ در صحن علنی مجلس مطرح و اصلاح مواد ۹۴۶ و ۹۴۸ و حذف ماده ۹۴۷ با ۱۶۹ رای موافق و ۲ رای مخالف و ۷ رای ممتنع مورد تایید نمایندگان قرار گرفت.

تصویب این طرح اگر چه با استقبال برخی زنان مواجه شد و جامعه زینب نیز به خاطر آن از مجلس تشکر کرد اما برخی مراجع نسبت به آن اعتراض کردند.

با تصویب این طرح اکرم مصوری منش، یکی از تهیه کنندگان طرح اولیه اصلاح ارث بری زنان، این اتفاق را گام مثبتی خواند و آن را بخشی از خواست زنان مجلس ششم عنوان کرد و اظهار امیدواری کرد در این مجلس یا مجلس های بعدی باز هم بازنگری به نفع زنان



نصیحت پیامبر (ص)

از ازدواج حضرت زهرا (س) با حضرت علی (ع) چندان نگذشته بود پیامبر (ص) به دیدار آن‌ها آمد به آن‌ها مبارکباد گفت و پس از ساعتی علی (ع) برای کاری از خانه بیرون رفت . پیامبر (ص) به فاطمه (س) فرمود: حالت چطور است؟ شوهرت را چگونه یافتی؟ فاطمه (س) (پدر جان شوهرم را به بهترین شوهر یافتم ولی جمعی از زنان قریش نزد من آمدند و به من گفتند: رسول خدا (ص) تو را همسر یک نفر مرد فقیر و تهیدست نموده است پیامبر: دخترم! نه پدرت فقیر است، و نه شوهرت، خداوند گنجینه های طلا چو نقره تمام زمین را در اختیار من نهاده است ولی من از آنها چشم پوشیدم، و پاداشی را که در پیشگاه خدا است برگزیدم . دخترم! اگر آنچه را که پدرت می داند، می دانستی دنیا در نظرت ناچیز جلوه می کرد، سوگند به خدا در نصیحت و آموزش تو کوتاهی نکردم . شوهر تو در تقدم به اسلام و در علم و حلم از همه مقدمتر و بهتر است، دخترم وقتی که خداوند بر سراسر زمین نگاه کرد دو مرد را برگزید یکی از آن دو را پدر تو قرار داد و دیگری را شوهر تو. یا بنته نعم الزوج زوجک لاتعصی له امرا: دختر عزیزم! شوهر تو، نیکو شوهری است همواره در همه امور، از او اطاعت کن سپس پیامبر (ص) علی (ع) را به حضور طلبید و در شائن و مقام فاطمه (س) مطالبی گفت، از جمله فرمود: فاطمه (س) پاره تن من است هر که او را برنجانند مرا رنجانده و هر کس او را شاد کند مرا شاد کرده است . امام علی (ع) در شائن زهرا (س) می گوید: سوگند به خدا هیچگونه فاطمه (س) را خشمگین و مجبور به کاری نکردم تا آن زمان که خداوند روح او را به سوی خود قبض کرد، و او نیز هیچگاه مرا ناراحت نکرد و از من نافرمانی ننمود، هر زمان به او نگاه می کردم همه اندوهها و حزنها و رنجهایم برطرف می شد.

داستانهای شنیدنی از چهارده

معصوم (علیه السلام)

مدیر حوزه علمیه امام مهدی (عج) تایلند

بیش از ۳۰ هزار شیعه در تایلند خود را پیرو امام خمینی (ره) می دانند

پیروان مذهب شافعی تشکیل می دهند. وی، به فعالیت حوزه های مختلف شیعی به ویژه حوزه علمیه امام مهدی (عج) در تایلند اشاره کرد و گفت: ۶۰ نفر در سه پایه مقدماتی مشغول فراگیری علوم اسلامی هستند، که معمولاً برای ادامه تحصیل به ایران و سوریه می روند. حجت الاسلام حسینی همچنین به فعالیت تبلیغی شیعیان در تایلند اشاره کرد و گفت: صدا و سیما دولت تایلند یک ساعت در هفته و همچنین روزانه یک ساعت در ایام ماه مبارک رمضان در اختیار شیعیان قرار دارد. وی افزود: شیعیان مجالتی با عنوان وحدت، پیام آسمانی و عترت و همچنین روزنامه ای به نام مسلم الجنان دارند. حجت الاسلام حسینی، مردمان تایلند را انسان هایی عاری از تعصبات منفی دانست و گفت: در تایلند هر کس با هر دین و مذهب برای دیگران احترام قائل است و تنها گروهی که نسبت به دیگران تعدی می کند، وهابیت است که البته جایگاهی نیز در میان مردم تایلند ندارد.

بیش از ۳۰ هزار شیعه در تایلند خود را پیرو امام خمینی (ره) می دانند، زیرا به واسطه تلاش ایشان در پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی، شیعه در جنوب شرقی آسیا گسترش یافته است. مدیر حوزه علمیه امام مهدی (عج) تایلند در گفت و گو با مرکز خبر حوزه گفت: پیش از انقلاب، تعداد شیعیان جنوب شرق آسیا کمتر از یک هزار نفر بود، اما پس از پیروزی انقلاب و تلاش امام خمینی (ره) مکتب تشیع در این مناطق گسترش یافت. حجت الاسلام سید سلمان حسینی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران را زمینه ساز گسترش مکتب تشیع در جهان دانست. این اندیشمند شیعی ادامه داد: از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون ۱۵ مرکز شیعی در تایلند تاسیس شده که ترویج شیعه را به دنبال داشته است. حجت الاسلام حسینی به جمعیت ۱۲ میلیونی مسلمانان تایلند اشاره کرد و گفت: اکثریت مسلمانان این کشور را

حکایات

حکیم و پادشاه

گردد به علاوه دولت که وظیفه دارد حافظ جان و مال مردم باشد، هزینه هم دارد و باید تامین شود. ما با رضا و رغبت، خودمان این مالیات را می دهیم . شاه گفت: میل دارم امروز در خدمت شما غذا صرف کنم و از همان غذای هر روز شما بخورم، دستور بفرمایید نهار شما را بیاورند. حکیم بدون آن که از جا حرکت کند فریاد کرد: غذای مرا بیاورید فوراً آوردند، طبقی چوبین که بر روی آن چند قرص نان و چند قاشق و یک ظرف دوغ و مقداری نمک دیده می شد جلو شاه و حکیم گذاشتند. حکیم به شاه گفت: بخور که نان حلال است، زراعت و جفت کاری آن دسترنج خودم است شاه یک قاشق خورد اما دید به چنین غذایی عادت ندارد و از نظر او قابل خوردن نیست، از حکیم اجازه خواست که مقداری از آن نان ها را به دستمال ببندد و تیمنا و تبرکا همراه خود ببرد. پس از چند لحظه، شاه با یک دنیا بهت و حیرت، خانه حکیم را ترک کرد.

داستان راستان / شهید مطهری

روز در حدود ظهر، شاه فقط به اتفاق یک نفر پیشخدمت به خانه حکیم رفت، خانه ای بود محقر با اسباب و لوازمی بسیار ساده . شاه ضمن صحبت ها گفت: هر نعمتی شکری دارد، شکر نعمت علم، تدریس و ارشاد است، شکر نعمت مال اعانت و دستگیری است، شکر نعمت سلطنت هم البته انجام حوائج است، لهذا من میل دارم شما از من چیزی بخواهید تا توفیق انجام آن را پیدا کنم . فرمود: من حاجتی ندارم، چیزی هم نمی خواهم . شنیده ام شما یک زمین زراعتی دارید، اجازه بدهید دستور دهم آن زمین از مالیات معاف باشد. شاه گفت: دفتر مالیات دولت مضبوط است که از هر شهری چقدر وصول شود. اساس آن با تغییرات جزئی به هم نمی خورد. اگر در این شهر از من مالیات نگیرند همان مبلغ را از دیگران زیادتر خواهند گرفت، تا مجموعی که از سبزواری باید وصول شود تکمیل گردد. حکیم فرمود: شاه راضی نشوند که تخفیف دادن به من یا معاف شدن من از مالیات، سبب تحمیلی بر یتیمان و بیوه زنان

ناصرالدین شاه در سفر خراسان، به هر شهری که وارد می شد، طبق معمول، تمام طبقات به استقبال و دیدنش می رفتند. موقع حرکت از آن شهر نیز او را مشایعت می کردند تا اینکه وارد سبزواری شد. در سبزواری نیز عموم طبقات از او استقبال و دیدن کردند، تنها کسی که به بهانه انزوا و گوشه نشینی از استقبال و دیدن امتناع کرد حکیم و فیلسوف و عارف معروف حاج ملا هادی سبزواری بود. از قضا تنها شخصیتی که شاه در نظر گرفته بود در طول راه مسافرت خراسان او را از نزدیک ببیند، همین مرد بود که تدریجاً شهرت عمومی در همه ایران پیدا کرده بود و از اطراف کشور، طلاب به محضرش شتافته بودند و حوزه علمیه عظیمی در سبزواری تشکیل یافته بود. شاه که از آن همه استقبال و دیدن ها و کرنش ها و تملق ها خسته شده بود، تصمیم گرفت خودش به دیدن حکیم برود. به شاه گفتند: حکیم، شاه و وزیر نمی شناسد شاه گفت: ولی شاه، حکیم را می شناسد جریان را به حکیم اطلاع دادند، تعیین وقت شد و یک

فقه پویای شیعه و چگونگی رصد علما و فقها

ادامه از صفحه ۹

به گمان ما، هر چه فقیهان بر نقد محتوایی، یعنی عرضه اخبار بر قرآن و نیز منظور داشتن اصول مسلم برگرفته از قرآن و حدیث اهتمام ورزند، به اجتهاد صائب، نزدیک تر می شوند.

۳. رسول خدا فرمود:

رَبُّ حَامِلِ فِقْهِ الْإِسْلَامِ مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ.^(۱)

چه بسیار کسانی که فقه را به فقیه برتر از خود (افقه) منتقل می کنند. بر پایه این سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله، تفاوت آرا و دستیابی به فتاوی صائب، امری طبیعی است و یکی از مصادیق گشوده بودن باب اجتهاد به شمار می رود.

تکریم تلاش فقیهان پیشین در حفظ میراث فقهی، بدان معنا نیست که آنان را در همه برداشت ها صائب بدانیم؛ و گرنه می باید اجتهاد در غیر مسائل مستحدثه بی ثمر باشد، بلکه تکریم و ستایش بزرگان به این معنا است که آنها توانسته اند با نبوغ فکری خود، به مسائل جدید و پاسخ های نو دسترسی پیدا کنند و راه را برای دیگر مجتهدان و فقها باز بگذارند. فقه کهن تشیع، با قدمتی هزاران ساله باعث خلاقیت های بشری، حتی در حوزه های غیر فقهی بوده

و راه را برای ابتکارات جدید باز کرده است. در این رابطه نکته مهمی که می توان به آن اشاره کرد، بحث شهرت فقیهان در برداشت است. این شهرت می تواند قرینه در فهم باشد، ولی هیچگاه دلیل بر آن نیست، لذا اگر دلیلی بر خلاف آن اقامه شد، باید از رأی مشهور دست کشید و به مقتضای دلیل، عمل کرد. شهرت قدما نیز که فقیهان بزرگی چون آیه الله بروجردی (رحمه الله) بر آن تأکید میورزیدند، در دریافت و انتقال درست حدیث است؛ یعنی آن جا که حدیثی در متون روایی یافت نشود، شهرت قدمایی در اصول متلفات (اصل های منقول از معصوم احکم حدیث را پیدا می کند که البته در فهم آن، باید اجتهاد کرد و برداشت از آن باید طبق موازین اجتهادی باشد.

۴. فقه جواهری و فقه پویا

توجه و دقت به فقه پویا و جواهری که در

سخنان گران مایه امام خمینی (قدس سره) نیز به آن پرداخته شده، به دو اصل اساسی در اجتهاد و فقاقت اشاره دارد. اصل اول آن است که فقه و اجتهاد، نباید از حد و مرزهای متداول در حوزه های علمیه که همان تکیه بر قرآن و سنت است، خارج گردد. نباید برداشت های برون فقهی را بر استنباط و

و تلاش بی وقفه محققان و پژوهشگران دقیق و جوان، طرحی را به مورد اجرا گذاشت تا بر پایه این اصول و اصولی دیگر از این دست به مباحثی در حوزه فقه و زندگی بپردازد که امروزه، مورد پرسش جدی قرار گرفته و یا از پدیده های نوین در زندگی امروزی به شمار می رود.

مجموعه فقه و زندگی حاصل تلاش بی وقفه محققانی است که اراده کرده اند با تلاش شبانه روزی آنچه را در خور تحقیق و تعمق است به رشته تحریر در آورند و اذعان و اعتراف دارند که تنها توانسته اند قطره ای از اندیشه پویا و افکار بلند مرجع نواندیش شیعه حضرت آیت الله العظمی صناعی (مد ظله العالی) را در باب فقه قلمی نمایند.

این سلسله از مباحث تئوریک، در ده فصل تدوین گشته که در هر قسمت یکی از موضوعات فقهی به بحث گذاشته می شود و به سبک اجتهادی بدان پرداخته می شود. در پایان از صاحبان فکر و اندیشه و از همه ناقدان علمی و اهل نظر می خواهیم تا با نقد منصفانه و ارائه دیدگاه های خود ما را در هر چه بهتر ارائه دادن این مجموعه و نوشته هایی از این دست یاری رسانند.

والحمد لله

۱. قمر، آیه ۱۷. نیز ر. ک: قمر، ۲۲، ۳۲ و ۴۰؛ مریم، آیه ۹۷؛ دخان، آیه ۵۸.
۲. عبس، آیه ۲۰.
۳. مزمل، آیه ۲۰.
۴. بقره، آیه ۱۹۶.
۵. بقره، آیه ۱۸۵.
۶. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۲۵ (ح ۲) و ج ۵۰، ص ۸۰ (ح ۶).
۷. اختیار معرفة الرجال، ص ۳۰۵ (ش ۵۴۹) «بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۱۷ (ح ۱۲).
۸. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۱۲ (ش ۴۰۱)؛ وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۳۸۸ (ح ۹) «بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۴۹ ۲۵۰ (ح ۶۲) (۶۴).
۹. سنن الدار قطنی، ج ۲، ص ۱۲۲ (ح ۴۴۲۷).
۱۰. الکافی، ج ۱، ص ۴۳ (ح ۱).

تکریم تلاش فقیهان پیشین در حفظ میراث فقهی، بدان معنا نیست که آنان را در همه برداشت ها صائب بدانیم؛ و گرنه می باید اجتهاد در غیر مسائل مستحدثه بی ثمر باشد، بلکه تکریم و ستایش بزرگان به این معنا است که آنها توانسته اند با نبوغ فکری خود، به مسائل جدید و پاسخ های نو دسترسی پیدا کنند و راه را برای دیگر مجتهدان و فقها باز بگذارند.

مجموعه "فقه و زندگی" حاصل تلاش بی وقفه محققانی است که آنچه را در خور تحقیق و تعمق است به رشته تحریر در آورند و اذعان دارند که تنها توانسته اند قطره ای از اندیشه پویا و افکار بلند مرجع نواندیش شیعه حضرت آیت الله العظمی صناعی (مد ظله العالی) را در باب فقه قلمی نمایند.

استفتاء

ممنوعیت از حج به خاطر شیوع بیماری آنفولانزای خوکی

محضر مبارک مرجع عالی قدر جهان تشیع، حضرت آیت الله العظمی صناعی (دام عزه) با سلام و احترام؛

نظر به شیوع بیماری آنفولانزای خوکی در جهان و مشاهده مواردی از این بیماری در زائران عتبات عالیات و عمره مفرده، وزیر بهداشت از احتمال شیوع این بیماری خطرناک در میان زائران خانه خدا در ایام حج تمتع امسال سخن گفته است، خواهشمند است در صورت امکان در خصوص وجوب این سفر با احتمال ابتلای به این بیماری در میان زائران نظر خویش را اعلام فرمایید:

اگر زائران با تصویب اجلاس وزرای بهداشت منطقه مدیترانه و تصمیم مقامات دولتی از این سفر منع شوند، آیا وجوب حج از ایشان ساقط می شود؟

باسمه تعالی

ج- چنانچه مبارزه با شیوع این بیماری خطرناک در منع کردن بعضی از افراد از حضور در جمعیت های زیاد نظیر حج باشد، منع نمودن به خاطر ضررها و حرج ها به خود اشخاص و جامعه، واجب و لازم شرعی و عقلی است، بلکه اگر فردی بعد از آگاهی به خطر به طریقی توجه ننموده و مبتلا شود، ضامن همه خسارت های احتمالی جانی و مالی افراد دیگر و جامعه است و در این فرض اگر شخصی از این جهت برای رفتن به حج ممنوع شود - هر چند بقیه شرایط استطاعت را داشته باشد - در سال منع، مستطیع نبوده و حج بر او مستقر نشده.

قم المقدسه
یوسف صناعی
۸۸/۵/۲

دیدگاه مراجع تقلید در ارتباط با کشتار مسلمانان چین

حضرت آیت الله العظمی صافی در دیدار جمعی از طلاب با ایشان کشتار مسلمانان بی دفاع چینی را محکوم کردند:

سرکوب بی عدالتی در گوشه و کنار دنیا



حضرت آیت الله العظمی صافی در دیدار جمعی از طلاب با اشاره به حوادث غمبار کشور چین، که موجب به خاک و خون کشیده شدن جمعی از مردم مظلوم و بی دفاع مسلمان این کشور گردید، وضع اسفبار و رعایت نشدن حقوق عادی بشری در این کشور را محکوم کردند. معظم له همچنین با اشاره به کشته شدن یک زن مسلمان مصری در آلمان به جرم داشتن حجاب اسلامی، این حوادث ضد بشری و اسلامی را محکوم کردند. حضرت آیت الله العظمی صافی به اتحاد و همکاری جوامع اسلامی در صحنه بین الملل اشاره کردند و فرمودند: از کشورهای اسلامی می خواهیم که نسبت به این بی عدالتی ها که در گوشه و کنار دنیا به حقوق مسلمانان می شود عکس العمل نشان داده و هیچ تبعیض و تفاوتی قایل نشوند. ایشان ادامه دادند: باید به طور مناسب و مؤثر اعتراض نموده و تجاوز به حقوق مسلمانان در هر کجا و هر کشوری که باشد محکوم نمایند و با مسلمانان چه چینی باشد یا اروپایی یا از هر جای دیگر همدردی نمایند. معظم له با اشاره به کشتار و استضعاف شدید مسلمانان چینی اظهار داشتند: از مجامع بین المللی و مدعیان دفاع از حقوق بشر می خواهیم که این دوگانگی ها و سیاست بازی ها را در مسأله حقوق بشر کنار بگذارند و انسان ها را به دو بخش مخالف و موافق غرب تقسیم نکنند و وضع حقوق بشر در چین را نادیده نگیرند.

ایشان افزودند: انسان ها در همه جا باید از حقوق انسانی خود برخوردار باشند و مورد ظلم و ستم قرار نگیرند. مرجع تقلید شیعیان در پایان سخنان خود از وزارت امور خارجه خواستند که در مقابل کشتار مسلمانان بی دفاع چین موضع گرفته و اعتراض نمایند و وظیفه ی اسلامی و انسانی خود را به بهترین وجه انجام دهند.

انسان ها در همه جا باید از حقوق انسانی خود برخوردار باشند و مورد ظلم و ستم قرار نگیرند. از کشورهای اسلامی می خواهیم که نسبت به این بی عدالتی ها که در گوشه و کنار دنیا به حقوق مسلمانان می شود عکس العمل نشان داده و هیچ تبعیض و تفاوتی قایل نشوند.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی طی بیانیه ای به کشتار مسلمانان بی دفاع چینی اعتراض کردند:

نباید مسلمانان را تنها گذاشت



چین روابط دوستانه و نزدیکی در امور اقتصادی و سیاسی با ما و سایر کشورهای اسلامی دارند ولی این دلیل بر آن نمی شود که برادران و خواهران مسلمان ما را در آن منطقه به وضع فجیعی سرکوب کنند و ما خاموش بنشینیم. ما ضمن محکوم کردن شدید این سرکوب ها از همه مسلمانان و تمام آزادگان جهان دعوت می کنیم که اعتراض شدید خود را نسبت به این حرکت غیر دوستانه اظهار دارند و یک صدا از دولت چین بخواهند که به این وضع خاتمه داده و مجرمان را مجازات کنند.

بسم الله الرحمن الرحیم

اخبار وحشتناکی که از ایالت سین کیانگ چین درباره کشتار وسیع و سرکوب مسلمانان این منطقه منتشر شده است موجب تأسف شدید هر مسلمان و انسان آزاده ای است. این منطقه که در غرب چین واقع شده و تقریباً یک ششم مساحت چین را تشکیل می دهد، اکثریت قاطع اهالی آن مسلمانند تنها گروه کوچکی از نژاد "هان" از کمونیستها در آنجا زندگی می کنند. این منطقه صنعتی و حاصلخیز اخیراً محل شدیدترین درگیریها بین مسلمانان و گروه نژادپرست هان واقع شده است، گرچه دولت چین آن را یک نزاع قومی قلمداد می کند ولی حمایت دولت از گروه مخالف و سرکوب شدید مسلمانان و تعطیلی مساجد آنها همه حکایت از این دارد که توطئه ای بر ضد مسلمین منطقه در جریان است.

ما ضمن محکوم کردن شدید این سرکوب ها از همه مسلمانان و تمام آزادگان جهان دعوت می کنیم که اعتراض شدید خود را نسبت به این حرکت غیر دوستانه اظهار دارند و یک صدا از دولت چین بخواهند که به این وضع خاتمه داده و مجرمان را مجازات کنند. مردم از مسئولان دولت جمهوری اسلامی نیز انتظار دارند در این مورد سکوت نکنند و موضع قوی مناسبی بگیرند، و برادران و خواهران مسلمان خود را تنها نگذارند.

درست است که دولت و ملت چین روابط دوستانه و نزدیکی در امور اقتصادی و سیاسی با ما و سایر کشورهای اسلامی دارند ولی این دلیل بر آن نمی شود که برادران و خواهران مسلمان ما را در آن منطقه به وضع فجیعی سرکوب کنند و ما خاموش بنشینیم.

درست است که دولت و ملت

دقت رقم:

خیابان شهید محمد منتظری، کوچه هشتم، پلاک ۴

کدپستی ۳۷۱۳۷۴۴۳۶۹

تلفن: ۰۱۰ - ۷۷۴۴۰۰۹ - ۷۷۴۴۷۶۷ - ۶۲ - ۷۸۳۱۶۶۰

نمابر: ۰۲۵۱ - ۷۷۳۵۰۸۰

ایمیل: istifta@saanei.org



گزارش ویژه داخل
دفتر مرجع عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی صانعی

پنج شنبه ۱۳۸۸ مرداد ۳۰ - ۲۰ رجب ۱۴۲۰ - ۲۳ جولای ۲۰۰۹
سال اول / شماره ۴

www.saanei.org & istifta@saanei.org

حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظنه العالی)

اسلام عین دموکراسی است، زیرا دموکراسی یعنی

رعایت حقوق همه انسانها و حق هیچ کس نادیده

گرفته نشده است. اگر کاستی و یا احیاناً تخلفی دیده

می شود، مربوط به حوزه اجراست.

چکیده اندیشه ها، ص ۳۱

درج مقاله ها و تحلیل ها در راستای اطلاع رسانی و

ارتقاء سطح فکری می باشد و دلالتی بر تأیید آن نیست.

بیانیه مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صانعی

در ارتباط با مسائل جاری کشور و حوادث چین

بسمه تعالی

وَزَلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ

ملت عزیز و شریف ایران اسلامی

در روزهای گذشته همگان شاهد حمله به دانشگاهها و خوابگاه دانشجویان و ضرب و جرح، قتل و به زندان افکندن عده زیادی از فرزندان این مرز و بوم بوده ایم تا جائیکه در آمار رسمی خبر از کشته شدن حدود بیست نفر و زندانی شدن بیش از هزار نفر داده شده است و همچنین شاهد پخش اعتراضات برخی از زندانیان در رسانه های انحصاری بوده ایم که بر همه واضح است این اعتراضات حداقل به علت زندانی بودن متهمین و شرایط خاص آنها از نظر شرعی، قانونی و عقلانی هیچ گونه ارزشی نداشته و ندارد؛ لکن نباید اینگونه ظلمها، آزار و اذیت ها، ترفندها، مکرها؛ دروغها و... موجب یأس و ناامیدی در راه احقاق حق شرعی و قانونی

و حاکمیت مردم بر سرنوشتشان گردد؛ چون علاوه از آنکه ناامیدی از رحمت خداوند خود از معاصی و گناهان کبیره است؛ خلاف وعده نصر و پیروزی قرآن به مسلمانان نیز می باشد که **أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ**.

و چگونه چنین نباشد حال آنکه علی رغم تمام سانسورهای خبری، از محدودیت سایت های خبری گرفته تا تعطیلی روزنامه ها و دستگیری فعالین رسانه ای و سیاسی و حتی قطع پیام های کوتاه، آگاهی عمومی

و جهانی از وقایع اخیر روز به روز در حال افزایش است، که خود نتیجه حرکت آگاهانه و همراه با متانت ملت بزرگ ایران است. امید آنکه راه دفاع از حقوق مردم و

حفظ عقاید دینی آنها مخصوصاً جوانان و حفظ جمهوری اسلامی همراه با درایت، متانت، آگاهی بخشی و آرامش و امنیت و استفاده از قانون اساسی به معنای واقعی و بهانه ندادن به دست ستمکاران، ادامه یابد که استقامت شرط موفقیت است و چگونه چنین نباشد حال آنکه کاندیداهای معترض به مسئولین انتخابات و روند و نتیجه آن و نظر شورای نگهبان همانگونه که در نامه حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای کروی (دامت افاضاته و برکاته) و یا در بیانیه دوست مکرّم، مؤمن و یار باوفای امام امت (سلام الله علیه) جناب آقای مهندس موسوی (دام عزه و توفیقه) آمده است؛ از نظر سیاسی و قانونی مشروعیت دولت را مورد سوال قرار داده و آنرا نفی می نمایند که نشانگر عدم اقتناع آنان و توده زیادی از مردم از شبهات پیش آمده در انتخابات است که خود بواسطه کاهش پشتوانه و حمایت های مردمی، می تواند موجب ناکارآمدی دولت گردد و ممکن است ادامه اش موجب مشکلات حقوقی و مدنی شود.

در پایان به تمام نیروهایی که باید حافظ نظم و جان و مال و ناموس مردم باشند تذکر می دهم که هیچ فرمان و دستوری نمی تواند مجوز و عذری برای تجاوز به حقوق مردم. که حرام و معصیت و ذنب لایغفر است. گردد که لاطاعة لمخلوق فی معصية الخالق چه رسد به آنکه موجب ضرب و جرح و یا قتل گردد که مستوجب خذلان دنیوی و عذاب اخروی است.

یوسف صانعی

۱۳۸۸/۴/۱۲

۱۰ رجب المرجب ۱۴۳۰

سبه تعالی

فَقَطِّعْ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

خبر برخورد خشن و غیرانسانی دولت چین در منطقه سین کیانگ که منجر به کشته و زخمی شدن و دستگیری تعداد زیادی از مسلمانان و مردم بی دفاع آن منطقه گردید، موجب تأسف و تأثر شدید این جانب گردید.

حاکمان مستبد چین به جای رفع معضلات و مشکلات مسلمانان این کشور که بخش قابل توجهی از جمعیت آن سرزمین را تشکیل می دهند، با اشکال مختلف در صدد خاموش کردن اعتراض های مردمی برآمده اند و در این میان با قطع رسانه های ارتباطی، عدم اطلاع رسانی از فجایع و ارتباط دادن این اعتراضات به قدرت های بیگانه -که بطلان و مکر و حيله بودنش از روز، روشن تر است- به خود جرأت داده اند تا به حریم و حقوق انسان های بی دفاع تجاوز نمایند و می کوشند با انتساب این اعتراضات به عوامل خارجی، هرگونه اقدام و اعتراض بین المللی و مردمی را از سوی دیگر کشورها خاموش سازند، اما مستبدان غافل از آنند که فریاد انسان های مظلوم و ستمدیده و آه و درد زجر دیدگان و خون های به ناحق ریخته شده انسان ها گریبان آن ها را خواهد گرفت و صدای اعتراض به حق این مردم مظلوم را در جهان منعکس خواهد ساخت.

این جنایات در کشور چین آن هم علیه مسلمانان این کشور در حالی رخ داده است که سران این کشور داعیه ارتباط مسالمت آمیز با کشورهای مسلمان و

گسترش مراودات اقتصادی و حتی تسلط بر بازارهای تجاری آنان را دارند اما سؤال این است که رهبران سرکوبگر چین چگونه می توانند با این کشتارها و دست گیری ها که باعث هتک حرمت قاطبه مسلمانان گردیده است، در امور تجاری و اقتصادی آن ها نفوذ نمایند؟ آیا آن ها که ادعای پیوستن به دنیای آزاد را دارند ولی هنوز در عصر داس و چکش به سر می برند، می توانند با پشتوانه زور و استبداد، نظرات شهروندان خود را به وسیله چماق، باتوم برقی و حضور شبه نظامیان در نطفه خفه سازند؟

این جانب ضمن توجه دادن همه دولت ها به حفظ حرمت، کرامت و حقوق انسان ها از تمام آزادیخواهان جهان از هر صنف و طبقه و دولت های مدافع حقوق بشر می خواهم که این جنایت ها را محکوم کرده و با استفاده از تمام ظرفیت های ملی و قانونی خود از تکرار این گونه جنایت های سبعانه و غیرانسانی در تمام نظام های بشری جلوگیری نمایند؛ و چگونه چنین نباشد حال آن که سکوت و بی تفاوتی در مقابل این گونه ظلم ها به مردم، که صاحبان اصلی قدرت می باشند، گناهی نابخشودنی است چه رسد به ترویج و کمک به آن ها که قطعاً گناهی بزرگتر به شمار می آید و سبب شریک شدن در خلاف ها و جنایت های آنان بوده و می باشد. باید توجه داشت که از نظر اسلام، تضييع حقوق انسان ها از گناهانی است که مورد مغفرت خداوند بخشنده و مهربان قرار نمی گیرد.

یوسف صانعی

۱۳۸۸/۴/۲۱